

نکته‌ها و یادداشتها

تکمله ای بر «ملاحظات چند درباره میراث برجامانده کرامی»

محمد کاظم رحمتی

بجای آنکه در این مقاله من کنم که درباره آنها اختلاف وجود ندارد، کتاب زین الفتی در تاریخ سوره هل اتی اثری است از عالمی که در سال ۱۳۲۰ ق. در ایران متولد شده است. گرچه با توجه به سال وفات رحمتی در حال حاضر در اسناد کتاب، باید تاریخ تالیف برگردانها را از ۱۳۲۰ ق. به بعد تاریخ ۱۳۲۰ ق. عبارتی در ذکر حمله محمود غزنوی به زین الفتی. مؤلف زین الفتی می نویسد:

هاتھ قالی فی خطبہ المشہورۃ بالملاحم اذا التقی النجمان بار من بابل... من الہنود و ویل للذیل من الاتراک و ہذہ خطبہ طویلہ فیہا ذکر کثیر من الکوائن و قدکان ہذا الذی ذکر ایام سار الامیر محمود بن سبکتگین رحمہ اللہ الی الی (۱۳۹۵).
می دانیم حمله محمود به ری در ۱۳۲۰ ق. بوده است. برخی از مشایخ مؤلف که سال وفات آنها را می دانیم، عبارت اند از:
ابوالحسن علی بن محمد بن عبداللہ الفارسی (متوفی ۴۳۱ ق.
ر. ک: الصریفینی، المنتخب من السیاق، ص ۵۷۵): ابونعمین عبدالملک بن الحسن الاسفراینی اجازة (زین الفتی ۳۱۵۵. متوفی ۴۰۰ ق. ر. ک: الصریفینی، همان، ص ۵۰۰-۵۰۱): ابوبکر محمد بن اسحاق بن محممشاد (متوفی ۴۳۱ ق.).

همچنین مؤلف زین الفتی از کتاب دیگر خود به نام المبانی لنظم المعانی در چند جا نام برده است. (علی ما ذکرنا فی کتاب الابانۃ (در اصل ازمۃ) [و] الاعراب و فی کتاب المبانی لنظم

در شماره گذشته کتاب ماه دین، دوست دانشمند آقای حسن انصاری قمی در بخش «نکته‌ها و یادداشتها» (۴) ملاحظاتی چند درباره میراث برجامانده کرامی، نکات جالبی ارائه کردند، که در کنار آن مطالب درباره مؤلف کتاب المبانی لنظم المعانی و مؤلف متن دیگر کرامی یعنی زین الفتی، این احتمال را مطرح کردند که نگارنده المبانی و زین الفتی، ابومحمد حامد بن احمد بن خطیر بن بسطام باشد. در این نوشتار ابتدا می‌گویم با استفاده از مقاله پرفسور کلود زینون مطالب کاملی درباره اسناد کتاب المبانی ارائه کنم سپس نکات دیگری درباره نسخه خطی زین الفتی و گزارش از کتاب الايضاح فی القرائات و چند متن کرامی خواهم آورد.

المعانی (۴۱a)؛ و آن کتاقد آوردنا لنظم آیات القرآن کتاباً و عنوانه بکتاب المبانی لنظم المعانی (۵۲a) و قد قلنا فی کتاب المبانی یحتمل ان الله سبحانه ذکر فی هذه السورة الفضة لانه ذکر قبیلها السنندس الخضر و... (۴۸b) و فی هذاالفصل فی کتاب المبانی لنظم المعانی (۲۰۶a).

دو نقل قول از کتاب زین الفتی یکی با نسبت به ابومحمد احمدبن محمدبن علی عاصمی در لباب الانساب (ج ۱، ص ۲۱۷) این فندق که از بخش غیرموجود زین الفتی است و نقلی هم ابوالحسن کیزی (متوفی بعد از ۶۱۰ ق) در حدائق الحقائق (ج ۱، ص ۸۵-۸۶) آورده که در زین الفتی (ج ۲، ص ۴۱۴-۴۱۵) موجود است. حال این پرسش مطرح می شود که آیا عاصمی مؤلف زین الفتی و کتاب المبانی لنظم المعانی است یا این استناد نادرست است؟ برای پاسخ به این سؤال بهتر است، اسناد کتاب المبانی را بررسی کنیم.

بررسی اسناد کتاب المبانی نشان می دهد که شخصیت محوری در روایات کتاب، ابوعبدالله محمدبن علی بن حسن خبازی نیشابوری (متوفی ۴۴۹ ق.) است. این را نیز می توانیم بگویم که کتاب المبانی لنظم المعانی بعد از ۴۴۹ ق. تالیف شده است. دلیل این مطلب، عبارت بلند مؤلف المبانی در تعزیت استاد خود ابوعبدالله محمدبن علی خبازی است. (مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۸: اخبارنا الامام ابوعبدالله محمدبن علی رضی الله عنه و أرضاه و جعل الجنة متقلبه و مأواه). از طرف دیگر مؤلف المبانی در باب علت تالیف کتاب می نویسد:

«و لعمری قد کنت شرعت فی باب الظاهر بکتب ألفتها فی فنونه و أوردت فی کل واحد منها ما هو الألیق فیه من عزیزه و عیونه و کنت أشرت فی بعضها الی احتیاج طالب هذاالباب الی کتاب أستخرجه فیه و وعدته استخراج ذلک بمصادر و میانیه... و ابتدأت بالأخذ فی تالیفه و استخراجه یوم الأحد غرة شعبان سنة خمس و عشرين و أربعمائة... (ص ۶). این دو مطلب دلالت دارد که کتاب المبانی لنظم المعانی بعد از ۴۴۹ ق. تالیف شده و مؤلف آن از سال ۴۲۵ ق. در فکر تدوین کتاب بوده است.

این گمان که مؤلف کتاب المبانی ابومحمد حامدبن احمدبن بسطام باشد، تقریباً پذیرفتنی است، خاصه که روایاتی در کتاب الايضاح اندرابی وجود دارد که وی آنها را از ابومحمد حامدبن احمد و احتمالاً کتاب المبانی نقل کرده است.^۳ بر این اساس حدس آقای ژلیو که مؤلف المبانی، اندرابی باشد، درست به نظر

نمی رسد.^۲

آنچه که آقای ژلیو را به این گمان انداخته، گفته های ابن جزری است. ابن جزری در شرح احوال احمدبن ابی عمران در ابی می نویسد:

«احمدبن ابی عمر ابوعبدالله خراسانی مؤلف (صاحب) کتاب الايضاح فی القراءات العشر و اختیار ابوعبید [قاسم بن سلام هروی] و ابوحاتم [سجستانی] که در آنها فواید فراوانی آورده است. وی (یعنی اندرابی) قراءات را از ابوالحسن علی بن محمدبن عبیدالله فارسی (د ذی القعدة ۴۳۱ ق.) صاحب ابن مهران (مقصود ابوبکر احمد بن حسین مهرانی ر. ک: الصریفینی، المنتخب من السياق، ص ۵۷۵، شماره ۱۲۷۰؛ ابن الجزری، غایة النهایة، شماره ۲۳۲۳)، ابوعبدالله محمدبن ابوالحسن علی بن محمد خبازی به روایت از پدرش (درباره خبازی ر. ک: صریفینی همان، ص ۴۰) و دیگران و از ابوبکر احمدبن حسین کرمانی صاحب کارزینی و از حافظ ابوبکر محمدبن عبدالعزیز از حافظ ابوعبدالله محمدبن عبدالله الحاکم (د ۴۰۵ ق.) روایت کرده است. اندرابی از جماعتی نقل حدیث کرده و بعد از سال ۵۰۰ درگذشته و نمی دانم که چه کسی نزد وی قرائت را از وی اخذ کرده است» (غایة النهایة، ج ۱ ص ۹۳). ابن جزری در ترجمه حامدبن احمد نیز می نویسد: حامدبن احمد (در اصل سفید است) قراءات را از ابوعبدالله محمدبن الهیصم روایت کرده است و از وی (در اصل سفید است) مؤلف الايضاح (همان، ج ۱، ص ۲۰۲).

مشخص است که ابن جزری مؤلف الايضاح را نمی شناخته و تنها به کتاب وی دسترسی داشته و اطلاعات خود را از آن اخذ کرده است.^۵ مؤید این گمان عبارت ابن جزری در ذیل شرح حال محمدبن هیصم است. ابن جزری می نویسد:

«محمدبن الهیصم ابوعبدالله امام مقری، اعتمد علیه احمدبن ابی عمر صاحب الايضاح و روی عنه (یعنی از ابن هیصم) حامدبن احمد [وروی من ابن الهیصم صاحب الايضاح] عنه [یعنی حامد بن جعفر] و أبدی عنه (یعنی مؤلف الايضاح) فوائد فی کتابه» (غایة النهایة، ج ۲ ص ۲۷۴).

درباره ابومحمد حامدبن احمدبن جعفر بن بسطام الطحیری چیزی جز خبر کوتاه صریفینی در المنتخب من السياق (ص ۲۳۳) به نقل از عبدالغافر فارسی (۵۲۹ ق.) که وی را از اصحاب ابوعبدالله (محمدبن کرام)، عالم، زاهد، همنشین مهدی بن محمد [بن هیصم؟] از بزرگان اصحاب کرامیه یاد کرده که از وی روایت



در این کتاب از شیخ ابوالنصر محمد بن محمد بن علی بن ابی طالب
در بیان فضیلت ائمه اطهار علیهم السلام و در بیان فضیلت
شیخ ابوالنصر محمد بن محمد بن علی بن ابی طالب

الاسلام (۲۳۱-۲۴۰) ص ۱۹۹-۲۰۰، شماره ۱۸۸؛ ابن ماکولا،
الکمال، ج ۳ ص ۱۲۴) قال حدثنا محمد بن مروان الكلبي (السدی
الصغیر، صاحب الكلبي ابوالنصر محمد بن سائب متوفی ۱۴۶ ق)
(ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۲-۳۳، رقم ۸۱۵۳؛ ابن
الجزری، غایة النهایة، ج ۲، ص ۲۶۱، رقم ۳۴۶۴؛ داوودی، طبقات
المفسرین، ج ۲ ص ۲۵۵-۲۵۶، رقم ۵۸۳) عن أبي صالح عن ابن
عباس (المبانی، ص ۸).

(۲) قال (مؤلف کتاب المبانی به نقل از ابو عبدالله محمد بن
علی الخبازی) و أخبرنا ابوالنصر (محمد بن علی الطالقانی) قال
حدثنا ابوسهل الانماري قال حدثنا محمد بن حاتم الجوزجانی (۴) و
غيره قالوا: (شاید مقصود از جوزجانی، ابو جعفر یا ابو عبدالله
محمد بن حاتم بن سلیمان الخراسانی البغدادی المودب المكتب
متوفی ۲۴۶ ق. باشد. ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۶۸، رقم ۷۳۷؛
سمعی، الانساب، ج ۳، ص ۱۶۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶،
ص ۴۵۲-۴۵۳؛ همو، تاریخ اسلام (۲۴۱-۲۵۰)، ص ۴۲۰-۴۲۱، رقم
۴۰۴؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، (ج ۹، ص ۱۰۱) أخبرنا ابراهيم بن
يوسف (ابو اسحاق ابراهيم بن يوسف بن ميمون بن قدامة یا رزين
الباهلی البلخی الماکبانی، متوفی ۲۶ جمادی الاول ۲۳۹) قال
حدثنا عمر بن هارون (ابو حفص عمر بن هارون بن يزيد الثقفي

نقل کرده (تخرج به) و از جهت زهدورزی از بی همتایان در روزگار
خود بوده، چیز دیگری دانسته نیست، جز آنکه در اسناد کتاب فی
قوارع القرآن نام وی به عنوان یکی از مستمعین کتاب آمده است.^۶
بعد از مطالب فوق اسناد کتاب المبانی را به تفصیلی که
پرفسور ژیلیو آورده، پی می گیریم.

اسناد کتاب المبانی

(۱) أخبرنا الامام أبو عبدالله محمد بن علی (بن حسن الخبازی
مقری نیشابوری، متوفی ۴۴۹ ق. ر. ک: غایة النهایة، ج ۲، ص
۲۰۷ شماره ۳۲۷۴؛ ذهبی، معرفة القراء الکبار، ج ۱، ص ۳۳۲،
شماره ۴۲؛ همو، تاریخ الاسلام (۴۴۱-۴۶۰) ص ۲۳۴-۲۳۵، شماره
۳۲۶؛ والصریفینی، المنتخب من السياق، ص ۴۳، شماره ۶۶)
رضی الله عنه و أرضاه و جعل الجنة متقلبه و مأواه قال أخبرنا
ابوالنصر محمد بن علی الطالقانی قال حدثنا الشيخ أبوسهل
محمد بن محمد بن علی الطالقانی الأنماري رحمه الله و ذكره فی
کتاب فیہ مافیہ و أخبرنی الشیخ ابوالقاسم عبدالله بن محمدا
رضی الله عنه بهراة قال أجازلی الشیخ أبوسهل محمد بن محمد بن
علی الانماري بکتاب فیہ مافیہ قال حدثنا عبدالله بن محمد بن
سليم (سلیمان؟) قال حدثنا صالح بن محمد ترمذی (نسفی، القند
فی ذکر العلماء سمرقند، ص ۱۳۹، شماره ۲۲۶؛ ذهبی، تاریخ

السجستانی (سند مشابه در الايضاح اخبارنى الشيخ الامام ابو عبدالله محمدبن الهيصم بن احمد قال اخبرنا ابوعلی احمدبن محمد عن ابوعبد عبدالله محمدبن علی (الخبازى)) قال حدثنا (ابوالحسن) محمدبن بن حامدبن هارون (المبائى، ص ۳۳) قال حدثنا علی بن عبدالعزیز (ابوالحسن علی بن عبدالعزیز بن المرزبان ابن سابور الجوهري البغوی المکی متوفى ۱۹۰ عمرى ابوالقاسم بغوی عبدالله بن محمدبن عبدالعزیزبن المرزبان بن شابور البغوی البغدادي (متوفى ۳۱۷) ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۱۳، ص ۳۴۸-۳۴۹) قال حدثنا ابوامیه (؟) قال حدثنا عبدالرحمن بن مهدى (ابوسعید عبدالرحمن بن مهدى بن حسان الانبارى الازدى اللؤلؤ البشير متوفى جمادى الثاني ۱۹۸ ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۹، ص ۱۹۲-۲۰۹؛ مزى، تهذيب الكمال، رقم ۳۹۶۹) عن ابراهيم بن سعدالزهري عن عبيد بن السیاق (الثقفی) أن زیدبن ثابت حدثه (المبائى، ص ۱۷)

(۶) قال الشيخ ابوسهل (الانمارى) و أخبرنا محمدبن حاتم (الجوزجانی) قال حدثنا قتيبة بن سعيد (ابورجاء قتيبة / يحيى بن سعيدبن جميل الثقفى البلخى البحلانى (متوفى ۲۴۰ ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۱۱، ص ۱۳-۲۴، بحلان قريه اى نزديك بلخ است) قال حدثنا عبدالعزیز بن محمدبن عمارة بن غزوية. در مورد عمارة بن غزیه الانصارى الخزرجى ر. ک: دارقطنى، مؤتلفه ج ۴، ص ۱۷۸۴؛ ابن ماکولاء، ج ۷، ص ۱۹-۲۰) عن ابن شهاب (الزهري) عن خارجة بن زيد عن أبيه (زيدبن ثابت) (المبائى، ص ۲۲).

(۷) حديث ذكره الشيخ ابوسهل قال حدثنا موسى بن عيسى ابوعمران الطالقاني (سهمى در تاريخ جرجان از موسى بن عيسى ابوعمران نام برده است. همان رقم ۹۳۲ و ۹۳۸) قال حدثنا عيسى بن احمد العسقلانى (ابويحيى عيسى بن احمدبن عيسى بن وردان البغدادي العسقلانى البلخى، متوفى ۲۶۸ ر. ک: تاريخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۶۳-۱۶۴، رقم ۵۸۵۸؛ سماعنى، الانساب، ج ۴، ص ۱۹۲ ذهبی، سير اعلام، ج ۱۲، ص ۳۸۱) قال حدثنا القاسم بن الحكم قال حدثنا سفيان عن السرى عن عبدخیر (المبائى، ص ۲۲-۲۳).

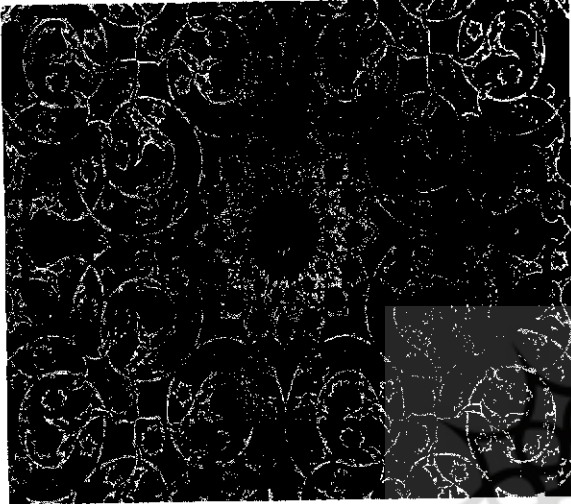
(۸) واخبرنا الشيخ محمدبن علی (الخبازى) قال اخبرنا ابومنصور محمدبن احمدبن جعفر و ابومنصور الحسن بن احمد (؟) قالوا اخبرنا محمدبن احمدبن حمادالمعروف بان ثلة الفقيه (؟) قال حدثنا ابوعيسى الترمذى (محمدبن عيسى بن سوره السلمى حماد متوفى ۱۳ رجب ۲۷۹ مؤلف كتاب سنن ترمذى ر. ک: ذهبی، سير اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۰-۲۷۷) (المبائى، ص ۲۷).

(۹) قال الشيخ (ظاهراً خبازى) و اخبرنا منصور [بن العباس البوشنجى] عن الحسن بن سفيان (المبائى، ص ۲۸).

البلخى، متوفى ۱ رمضان ۱۹۴) عن عثمان بن عطاءالخراسانى (ابومسعود عثمان بن عطاءالخراسانى المقدسى متوفى ۱۵۱ ق. ر. ک: تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۱۳۸-۱۳۹) عن ابيه (عطاءبن مسلم ميسرة الخراسانى متوفى ۱۲۵ ق. ر. ک: P. ۵۳۹, n. ۶. GAS, I.P. ۲۳: Radtke) عن ابن عباس، (المبائى، ص ۱۰). (۳) ذكر الشيخ ابوسهل الانمارى رحمه الله فى كتابه و أخبرنا (يعنى براى مؤلف المبائى) الشيخ الامام ابوعبدالله محمدبن علی رضی الله عنه (الخبازى) حدثنا الشيخ ابوالحسن علی بن عبدالرحمان بن السرى البكائى (متوفى ۱۳ ربيع الاول ۳۷۶ بالكوفة (ابوالحسن علی بن عبدالرحمن بن السرى البكائى الكوفى المقرئ ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۱۶، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ همو، تاريخ اسلام (۳۵۱-۳۸۰)، ص ۵۹۴؛ سماعنى، الانساب، ج ۱، ص ۲۸۲. در مورد فرزندی ر. ک: ابن الجزرى، غاية، ج ۱، ص ۵۴۸، رقم ۲۲۴۰) قال حدثنى الحسن بن الطيب بن حمزة الشجاعى (ابوعلی البلخى متوفى ۳۰۷ ق. ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۱۴، ص ۲۶۰؛ همو، تاريخ اسلام (۳۰۱-۳۲۰) ساکن در بغداد کذاب) قال حدثنا جمعة بن عبدالله ابوبکر السلمى البلخى (متوفى ۲۳۳ ق. ر. ک: ابوبکر جمعة (يحيى) بن عبدالله بن زياد السلمى البلخى، تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۱۱۰؛ ابن حبان، ثقات، ج ۸، ص ۱۶۵-۱۶۶) قال حدثنا ابراهيم بن سعد ابن سعد الزهري قال حدثنا مسلم بن شهاب الزهري عن عبيد بن السیاق (الثقفى) عن زيدبن ثابت (المبائى، ص ۱۷).

(۴) قال (مؤلف كتاب المبائى از خبازى) و اخبرنا منصوربن العباس (البوشنجى اوالفوشنجى براى ديگر روايات از وى ر. ک: المبائى، ص ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۴۳، ۵۳ و ۵۵ از وى به عنوان الفقيه ببوشنج، ص ۴۳ يا ببوشنج (ص ۵۵) ياد شده است) حدثنا الحسن بن سفيان (ابوالعباس الحسن بن سفيان بن عامر الشيبانى الخراسانى النسوى الشافعى متوفى ۳۰۳ ق. ر. ک: ذهبی، سير اعلام، ج ۱۴، ص ۱۵۷-۱۶۲؛ معجم، ص ۵۹۷-۵۱۸؛ سيكى، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۵، رقم ۱۷۰. براى ديگر روايات وى در كتاب المبائى ر. ک: همان، ص ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۴۳، ۵۳، ۵۵، ۹۰ (عن سعيد بن جبیر (متوفى ۱۹۵ ق.) كه دلالت دارد سند افتادگى دارد) قال حدثنا سويدبن سعيدالانبارى (ابومحمد سويدبن سعيدبن سهل بن شهريار الهروى الانبارى الحدثانى (متوفى ۲۴۰ ق.) ر. ک: تاريخ بغداد، ج ۹، ص ۲۲۸-۳۲۲؛ ذهبی، سير اعلام، ج ۱۱، ص ۴۱۰-۴۲۰؛ همو، ميزان، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۵۱، رقم ۳۶۲۱) (المبائى، ص ۱۷).

(۵) قال (الخبازى) و اخبرنا ابوعلی احمدبن محمدبن يحيى



عبدالله بن محمد بن ابراهیم متوفی محرم ۲۳۵ ر.ک: ذهبی، سیر، ج ۱۱، ص ۱۲۲-۱۲۷) و محمد بن المثنی العنزی ابوموسی محمد بن المثنی بن عبید بن قیس العنزی البصری متوفی ذوالقعدة ۲۵۲ ر. ک: زیلیو، ص ۲۲) قالوا حدثنا ابومعاوية (الضریر محمد بن حازم التمیمی السدی الکوفی متوفی ربیع الاول ۱۹۵ ر. ک: زیلیو، ص ۲۱۶-۲۱۷) قال حدثنا الاعمش (سليمان بن مهران الاسدی الکوفی متوفی ربیع الاول ۱۴۸ عن ابراهیم بن علقمة (المبانی، ص ۳۵).

۱۵) ما حدثنا به ابومنصور الازهری املاء قال (المبانی، ص ۳۷).

۱۶) قال [ابوعبدالله محمد بن علی الخبازی] و حدثنا ابوعلی احمد بن محمد بن یحیی قال حدثنا اسحاق بن ابراهیم البستی (فردی به نام ابومحمد اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل البستی القاضی متوفی ۳۰۷ ق. ر. ک: ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۱۰۱-۱۰۲ (رقم ۶۰۶ متوفی ۳۰۷)، همو، تهذیب تاریخ دمشق تحقیق بدران، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ذهبی، سیر، ج ۱۴، ص ۱۳۰ (متوفی حدود ۳۰۰ ق.). شذرات، ج ۲، ص ۲۴۲، ابن ناصرالدین، توضیح، ج ۱، ص ۴۹۶ یا ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن نصر البستی النیسابوری ر. ک: ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۱۶۵-۱۶۶، رقم ۶۱۹ که از ابراهیم بن یوسف الماکبانی (متوفی ذوالحجه ۲۴۵ ق. روایت کرده است ر. ک: ذهبی، سیر، ج ۱۲، ص ۲۱۴-۲۱۸) قال حدثنا الليث بن سعد (متوفی ۱۷۵ ق. عن یحیی بن سعید الانصاری (متوفی ۱۴۳ ق.) عن ابن مسیب. (المبانی، ص ۳۷) ۱۷) و یذکر علیه حدیث ذکره منصور بن العباس الفقیه

۱۰) قال (ظاهراً خبازی) و حدثنا الاستاذ ابراهیم بن محمد الطرماحی رحمه الله قال حدثنا ابوالحسن الكارزی (ابوالحسن محمد بن محمد بن الحسن بن الحارث الكارزی المكاتب متوفی ۱۶ شوال ۳۴۶ ر. ک: سمعی، انساب، ج ۵، ص ۱۳، ۳۷۱-۳۷۲ (لقب مكاتب): ابن ماکولا، (کمال، ج ۷، ص ۱۸۲) قال حدثنا ابوسعید محمد بن یوسف الجوسقی (در مورد جوسق یاقوت، مستدرک، تحقیق وستنقله، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ همو، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ ج ۲، ص ۱۸۴-۱۸۵) قال حدثنا یحیی بن یحیی (احتمالاً ابوزکریا یحیی بن یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی المقری الخراسانی النیسابوری (متوفی ربیع الاول ۲۲۶ ر. ک: ذهبی، سیر اعلام، ج ۱۰، ص ۵۱۲-۵۱۹) قال حدثنا عبثر ابوزبید (ابوزبید عبثر بن القاسم الزبیدی الکوفی (متوفی ۱۹۸ ق. ر. ک: ذهبی، سیر، ج ۸، ص ۲۲۷-۲۲۸) (المبانی، ص ۲۸).

۱۱) اخبرنا به [ظاهراً خبازی از] منصور بن العباس البوشنجی قال حدثنا الحسن بن سفیان قال حدثنا ابوالشعفاء (ابوالحسن علی بن الحسن بن سلیمان الحضرمی الواسطی الکوفی متوفی ۲۳۶ یا ۲۳۷ ق. ر. ک: بهشل، تاریخ واسط، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ تهذیب التهذیب ج ۷، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ ابوالحسن: و يقول ابوالحسن الواسطی و يقال الکوفی الادمی يعرف بالشعفاء) قال حدثنا یحیی بن آدم (ابوزکریا یحیی بن آدم الکوفی (متوفی ربیع الاول ۲۰۳) ر. ک: تهذیب التهذیب ج ۱۱، ص ۱۷۵-۱۷۶) (المبانی، ص ۳۰).

۱۲) قال (ابوعبدالله محمد بن علی الخبازی) و اخبرنا منصور بن العباس (البوشنجی) قال حدثنا الحسن بن سفیان قال حدثنا ابوعمار الحسین بن حارث (حریث) قال حدثنا علی بن الحسین ابوعمار الحسین بن حریث بن الحسن الخزاعی المروزی، متوفی ۲۴۴ ق. ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۶-۳۷، رقم ۴۰۸؛ ذهبی، سیر، ج ۱۱، ص ۴۰۰-۴۰۱، تهذیب التهذیب ج ۲، ص ۳۳۳) قال حدثنی ابي قال حدثنی منصور عن سفیان (المبانی، ص ۳۰). ۱۳) قال (ابوعبدالله محمد بن علی الخبازی) و اخبرنا ابوعلی (ابوعلی احمد بن محمد بن یحیی السجستانی) قال و حدثنا ابوالحسن محمد بن حامد (؟) قال حدثنا عبدالعزیز علی بن عبدالعزیز البغوی (؟) قال حدثنا ابوعبید (القاسم بن سلام) (المبانی، ص ۳۳).

۱۴) ولقد اخبرنا (ظاهراً ابوعبدالله محمد بن علی الخبازی از) منصور بن العباس (البوشنجی) قال اخبرنا الحسن بن سفیان قال حدثنا اسحاق بن ابراهیم (ابن راهویه ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن مخلد المروزی متوفی ۱۵ شعبان، ۲۳۸ ر. ک: ذهبی، سیر، ج ۱۱، ص ۳۵۸-۸۲، ج ۱۴، ص ۱۵۷) و ابن ابی شیبہ (ابوبکر بن

الحسين بن الحسن السلمى المروزي متوفى ۲۴۶ ق. راوى كتاب الزهد ابن حنبل ر. ك: ذهبى، سير، ج ۱۲، ص ۱۹۰-۱۹۱] (المباني، ص ۵۳).

(۲۲) قال (ابوعبدالله محمد بن علي الخبازي) قال و اخبرنا منصور بن العباس (البوشنجي) قال اخبرنا الحسن بن سفيان قال حدثنا اسحاق بن ابراهيم (ابن راهويه) قال اخبرنا المغيرة بن سلمة المخزومي (ابوهاشم المغيرة بن سلمة القرشي المخزومي متوفى ۲۰۰ ق. ر. ك: تهذيب التهذيب ج ۱۰، ص ۲۶۱) قال حدثنا عبدالواحد ابن زياد (المباني، ص ۵۳).

(۲۳) قال [الخبازي] و اخبرنا ابوعلى احمد بن محمد قال حدثنا دعلج بن احمد [ابومحمد دعلج بن احمد بن دعلج بن عبدالرحمن السجستاني البغدادي التاجري متوفى جمادى الثاني ۳۵۱ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۸، ص ۳۸۷-۳۹۲، ذهبى، سير، ج ۱۶، ص ۳۰-۳۵؛ همو، تذكره، ص ۸۸۱-۸۸۴، رقم ۸۵۰؛ ابن الجوزي، المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۴۳-۱۴۷، رقم ۲۶۲۰] قال محمد بن غالب (ابوجعفر محمد بن غالب بن حرب الضبي البصري التمار التميمي متوفى رمضان ۲۸۳ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۸، ص ۳۸۸؛ ذهبى، سير، ج ۱۳، ص ۳۹۰-۳۹۳) قال حدثنا ابوحنيقه (موسى بن مسعود التهدي البصري متوفى ۲۲۰ یا ۲۲۱ ق. ر. ك: تهذيب التهذيب ج ۱۰، ص ۳۷۰-۳۷۱) حدثنا سعيد [شاید] سعيد بن مسروق الثوري الكوفي متوفى ۱۲۸ ق. ر. ك: تهذيب التهذيب ج ۴، ص ۸۲) عن سلمة بن كميل عن كريب عن ابن عباس (المباني، ص ۵۵).

(۲۴) قال [الخبازي] و اخبرنا ابوعبدالله محمد بن يزيد النيسابوري (?) رحمه الله منصور بن ابوعبدالله محمد بن يزيد النيسابوري السلمى الحنفى مشهور به محمش متوفى ۲۵۹ ق. شيخ حنفيان نيشابور ر. ك: ابن ابى الوفاء القرشي، الجواهر المضية، ج ۳، ص ۳۹۹-۴۰۰، رقم ۱۵۷۶ كه به اشتباه السلمى به البلخي تبديل شده است، تاريخ جرجان، ص ۲۱۱، رقم ۳۲۴) و منصور بن العباس البوشنجي قالا اخبرنا الحسن بن سفيان قال حدثنا ابوبكر بن ابى شيبة ... (المباني، ص ۵۵)

(۲۵) [الخبازي] قال حدثنا الحسين بن احمد بن قيسر الدامغاني قال حدثنا محمد بن ابراهيم ابن بومرد (نومرد) ر. ك: سهمي، تاريخ جرجان، ص ۴۴۶، رقم ۸۵۵ (ابوبكر محمد بن ابراهيم بن نومرد بن ناصح القومسي الدامغاني (متوفى جمادى الثاني ۳۳۱) قال عمار بن رجاء (ابوياسر عمار بن رجاء الثعلبي الاسترابادي الجرجاني متوفى ۲۶۷ مؤلف المسند الكبير ر. ك: ذهبى، سير، ج ۱۳، ص ۲۵؛ سهمي، تاريخ جرجان، ص ۵۳۴-۵۳۵، رقم ۱۱۳۳) قال اخبرنا وهب بن جرير (ابوالعباس وهب بن جرير بن حازم الازدي البصري

يبوشنج ان الحسن بن سفيان اخبرهم قال حدثنا ابوبكر بن ابى شيبة (المباني، ص ۴۳).

(۱۸) و قال الشيخ محمد بن الهيصم رحمه الله (ص ۴۷) (المباني، ص ۴۷)

(۱۹) فانه اخبرني غير واحد عن الشيخ ابى سهل الانماري رحمه الله قال حدثنا محمد بن نصر الطالقاني (شخصي به نام ابوبكر محمد بن نصر بن سلمة بن الجارود بن يزيد الجارودي النيسابوري متوفى ربيع الاول ۲۹۱ كه از ابن راهويه حديث نقل کرده است مى شناسيم ر. ك: ابن ابى حاتم، جرح، ج ۸، ص ۱۱۱، رقم ۴۹۲؛ سمعاني، الانساب، ج ۲، ص ۸، ابن ابى الوفاء القرشي، جواهر، ج ۳، ص ۳۸۲، رقم ۱۵۵۶) قال حدثنا محمد بن الفضل بن نباته (محمد بن الفضل البلخي، متوفى ۳۱۹، رادتكه، ص ۵۴۶-۵۴۷، رقم ۴۳) حدثنا يحيى بن اسحاق السالخي (ابوزكريا يحيى بن اسحاق البلخي السيلخيني، متوفى ۲۱۰ یا ۲۲۰ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۵۷-۱۵۸، رقم ۷۴۷۰؛ ذهبى، سير، ج ۹، ص ۵۰۵-۵۰۷، تهذيب التهذيب، ج ۱۱، ص ۱۷۷) قال حدثنا يحيى بن ايوب (ابوالعباس يحيى بن ايوب الغافقي المصري متوفى ۱۶۸ ق. ر. ك: ابن سعد، طبقات، ج ۷، ص ۵۱۶؛ ذهبى، سير، ج ۸، ص ۱۰-۱۰، المقري، تهذيب الكمال، رقم ۶۷۹۲؛ عقيلي، ضعفاء، ج ۴، ص ۳۹۱-۳۹۲، رقم ۲۰۱۱) عن ابن سيرين (محمد بن سيرين البصري متوفى ۱۱۰ ق.) عن يزيد بن ابى حبيب ان عبدالرحمن بن شماس المهرى أخبره عن زيد بن ثابت (المباني، ص ۴۹).

(۲۰) قال (الخبازي) و اخبرني ابوعلى احمد بن محمد قال حدثنا اسماعيل بن محمد البغدادي الصفار (ابوعلى اسماعيل بن محمد اسماعيل البغدادي الصفار الملحى، النحوى الاديب مسند العراق صاحب المبرد متوفى ۱۴ محرم ۳۴۱ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۶، ص ۳۰۲-۳۰۴؛ ذهبى، سير، ج ۱۵، ص ۴۴۰-۴۴۱) قال حدثنا الرمادي (احمد بن منصور بن سيار بن المعارك الرمادي البغدادي متوفى ربيع الثاني ۲۶۵ ق. ر. ك: سمعاني، انساب، ج ۳، ص ۸۸، الذهبى، تذكرة الخواص، ص ۵۶۴-۵۶۵، رقم ۵۸۹. روايت ديگر از وي در ص ۲۰۷ و ۲۰۸) قال حدثنا عبدالرزاق (المباني، ص ۵۱).

(۲۱) اخبرنا الشيخ ابوعبدالله محمد بن علي (الخبازي) رحمه الله (روايت هاي ديگر از ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰) قال اخبرنا ابوعلى احمد بن محمد بن يحيى قال اخبرنا ابوجعفر محمد بن معاذ الماليني (ابوجعفر محمد بن معاذ بن فراء بن عبدالله الهروي الماليني متوفى رجب ۳۱۶ ق. ر. ك: ذهبى، سير، ج ۱۴، ص ۴۸۴-۴۸۵) قال حدثنا الحسين هو ابن الحسن المروزي [ابوعبدالله

أبو شعيب الحراني (أبو شعيب عبدالله بن الحسن بن أحمد بن شعيب الحراني متوفى ذوالحججه ۲۹۵ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳۵-۴۳۷؛ ذهبى، سير، ج ۱۳، ص ۵۳۶-۵۳۷) (المباني، ص ۹۴).

(۳۳) قال ابن الانبارى ظاهراً از كتاب الرد على من خالف مصحف العثمان است ر. ك: قرطبي، تفسير، ج ۱، ص ۵۴ (المباني، ص ۱۴۰).

(۳۴) قال الشيخ محمد بن الهيصم (المباني، ص ۱۷۰-۱۷۱)، ۱۹۴.

(۳۵) أخبرنا الشيخ أبو عبدالله محمد بن الهيصم رضى الله عنه اجازة قال أخبرنا أبو علي أحمد بن محمد قال حدثنا أبو سعيد الاصطخرى القاضى (القاضى أبو سعيد الحسن بن أحمد بن يزيد الاصطخرى الشافعى (متوفى ۳۲۸ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۷، ص ۲۶۸-۲۷۰؛ ذهبى، سير، ج ۱۵، ص ۲۵۲) قال حدثنا أحمد بن منصور الرمادى قال حدثنا عبد الرزاق بن همام (المباني، ص ۲۰۷).

(۳۶) و اما ذكر اجزاء القرآن فقد ذكرها الشيخ الاجل أبو سهل الانمارى رضى الله عنه فى كتابه (المباني، ص ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۴۶) (۳۷) فاما الانصاف فانه روى عن الحسين بن أحمد الزعفرانى [الحسين بن أحمد بن بسطام الزعفرانى البصرى ر. ك: سمعاني، انساب، ج ۳، ص ۱۵۴] قال أخبرنا محمد بن خالد البزار قال أخبرنا أحمد بن محمد بن محمد من ولد القاسم بن [نافع] ابى بزه [أبو الحسن أحمد بن محمد بن عبدالله بن القاسم بن نافع ابوبزه البزى (متوفى ۲۵۰ ق. ر. ك: دارقطنى، مؤتلفه، ج ۱، ص ۲۸۲؛ ابن الجزرى، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲۰، رقم ۵۵۳)] - (المباني، ص ۲۴۵ - ۲۴۶).

(۳۸) و فيما أخبرنا الشيخ محمد بن الهيصم رضى الله عنه قال أخبرنا ابوالنصر محمد بن على [الطالقانى] قال أخبرنا الشيخ الاجل أبو سهل الانمارى رضى الله عنه قال أخبرنا يوسف بن موسى [أبو يعقوب يوسف بن موسى بن عبدالله بن خالد بن حموك القطان المروزي متوفى ۲۹۶ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۰۸ - ۳۰۹] قال حدثنا محمد بن يحيى القطعى [أبو عبدالله محمد بن يحيى بن حزم مهران القطعى البصرى المرقى، متوفى ۲۵۳ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۹، ص ۵۰۸ - ۵۰۹؛ صفدى، الوافى بالوفيات، ج ۵، ص ۱۸۴، رقم ۲۲۳۱؛ ابن الجزرى، غاية، ج ۲، ص ۲۷۸، رقم ۳۵۳۲؛ ابن ماكولا، الكمال، ج ۷، ص ۱۴۸، سمعاني، انساب، ج ۴، ص ۵۲۳] قال حدثنا يزيد بن النصر المجاشعى قال حدثنا شهاب بن شريفه [شهاب بن شريفه المجاشعى البصرى (ر. ك: ابن حيان، الثقات، ج ۶، ص ۴۴۳)] (المباني، ص ۲۴۰).

متوفى ۲۰۶ ق. ر. ك: تهذيب التهذيب، ج ۱۱، ص ۱۶۱-۱۶۲) (المباني، ص ۵۶).

(۲۶) [الخبازى] قال و حدثنا ابومنصور محمد بن أحمد الأزهرى املا (ابومنصور محمد بن أحمد بن الأزهر الأزهرى الهروى الشافعى متوفى ربيع الاول ۲۷۰ ق. ر. ك: ذهبى، سير، ج ۱۶، ص ۳۱۵-۳۱۷. رزه بلاشر، EI، ويرایش اول، ص ۸۴۵) قال حدثنا محمد بن اسحاق السعدى (ابوعلی محمد بن اسحاق بن سعید السعدى الهروى الشافعى ر. ك: سمعاني، انساب، ج ۳، ص ۲۵۵) قال حدثنا يحيى بن الربيع (؟ الربيع بن يحيى بن مقسم الاثنانى المرائى البصرى ابوالفضل متوفى ۲۲۴ ق. ر. ك: المرقى، تهذيب الكمال، رقم ۱۸۷۳؛ ذهبى، سير، ج ۱۰، ص ۴۵۲-۴۵۳) قال حدثنا سفيان بن عيينة (الهلالى الكوفى المكى متوفى ۱۵ شعبان ۱۹۶) عن الزهرى عن عبدالله بن عتبه (متوفى ۹۹) عن ابن عباس (المباني، ص ۵۷).

(۲۷) [مؤلف المباني به نقل از الخبازى] أخبرنا الشيخ أبو عبدالله محمد بن المنتصر رحمه الله (؟) قال حدثنا أبو أحمد محمد بن أحمد بن الغطريف بجرجان (ص ۹۰ ابواحمد الغطريفى) [أبو أحمد محمد بن أحمد بن الحسين بن القاسم بن الغطريف بن الجهم العيدى، الغطريفى الجرجانى الرباطى الغازى متوفى رجب ۳۷۷ (GAS, I, P. ۲۰۳)، سهمى، تاريخ جرجان، ص ۴۳۰-۴۳۲، رقم ۷۷۹ (حیدرآباد، ۱۹۵۰ م، ص ۳۸۷-۳۸۸)؛ ذهبى، سير، ج ۱۶، ص ۲۵۴-۲۵۵]] حدثنا ابوالفضل العباس بن حماد بن فضالة بالبصرة ابوالقاسم طبرانى (متوفى ۲۸ ذى القعدة ۳۶۰) از الحسن بن حماد بن فضالة الصيرفى البصرى روایت کرده است. ر. ك: همو، كبير، ج ۱، ص ۱۳۶) قال حدثنا (المباني، ص ۶۴).

قلنا ذكر ابن الانبارى أن هذا باطل (ابوبكر محمد بن القاسم بن بشار الانبارى النحوى متوفى ۱۰ ذوالحججه ۳۲۸ ق. ر. ك: EI ويرایش اول نگاهشته كارل بروكلمان، ج اول، ۵۰۰ا؛ ذهبى، سير، ج ۱۵، ص ۲۷۴-۲۷۹) (المباني، ص ۸۴).

(۲۹) و ذكر الشيخ محمد بن على [الخبازى] (المباني، ص ۸۵). (۳۰) شيخى أبو جعفر محمد بن أحمد بن جعفر (ص ۸۶) و كان الشيخ أبو جعفر (محمد بن أحمد بن جعفر) يقول (ص ۸۷).

(۳۱) قال [احتمالاً خبازى] و أخبرنا ابراهيم بن المطيب قال حدثنا عمار بن على (در متن عمار عن على) (المباني، ص ۸۶) (۳۲) [الخبازى] روى ابوالحسن على بن محمد بن سعيد الدراق (درست أن ظاهراً الدقاق يا الرزاز) (ابوالحسن على بن محمد بن سعيد بن العباس بن دينار الكندى الرزاز متوفى ۱۹ رمضان ۳۷۲ ق. ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۱۲، ص ۸۵-۸۶، رقم ۶۵۰۰) قال حدثنا

کتاب الايضاح اندرابی و ماخذ آن^۲

ابوعبدالله احمد بن ابی عمر اندرابی (متوفی ۲۱ ربیع الاول ۴۷۰ ق. ر. ک: المنتخب من السياق، ص ۱۳۸) از عالمان کرامی خراسان، کتاب مشهوری به نام الايضاح نگاشته که در یک نسخه خطی باقی مانده است. از این نسخه خطی اطلاعات زیر را می‌توان استخراج کرد:

الف) استادان اندرابی: ب) ماخذ اندرابی در تألیف الايضاح نخست استادان اندرابی: استادانی که اندرابی قراءات را از آنها عرضاً و سماعاً یا به روایت و اجازه دریافت کرده است:

۱- ابوجعفر احمد بن ابی احمد المرو الروذی (الايضاح فی القراءات، برگ ۱۳۵. در مورد وی ر. ک: الانساب، ج ۵، ص ۱۹۴). اندرابی راثیه ابومزاحم موسی بن عبیدالله بن خاقان مقری بغدادی را از وی روایت کرده است. قصیده راثیه درباره قراء هفت گانه است. خطیب بغدادی (ج ۱۳، ص ۵۹) از موسی بن خاقان نام برده و او را نقه یاد کرده است (همچنین ر. ک: الذهبی، معرفه القراء الکبار، رقم ۲۱۹).

۲- ابوبکر احمد بن حسن بن حسین کرمانی که از وی به احمد بن حسین نیز یاد کرده است. اندرابی از وی قرائت ابوجعفر یزید بن قعقاع مدنی (الايضاح، برگ ۷۸) به روایت اسماعیل بن جعفر مدنی و قرائت نافع به روایت قالون (الايضاح، برگ ۸۰) و قرائت عبدالله بن عامر به روایت ولید بن مسلم (الايضاح، برگ ۸۳) و قرائت ابوعمر بن علاء به روایت عبدالوراث (الايضاح، برگ ۸۵) و قرائت عاصم به روایت مفضل ضبی (الايضاح، برگ ۸۸) را اخذ کرده است.

۳- ابوعلی حسن بن حسین بن حسن مقری بخاری. ابن جزری (غایة النهایة، ج ۱، ص ۲۱۰) از وی به عنوان مقری و فردی فقیه نام برده است. وی قراءات را نزد ابوعبدالله محمد بن حسین بن محمد حرمی (درباره وی ر. ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۰۲) فرا گرفته است. بخاری در سال ۴۹۳ ق. زنده بوده است و اندرابی قرائت نافع به روایت مسیبی را از وی اخذ کرده است (الايضاح، برگ ۸۰). نکته جالب توجه این است که اندرابی از وی به اجازه روایت کرده است. اندرابی قرائت ابوعمر بن علاء به روایت منقری (الايضاح، برگ ۸۵)، قرائت عاصم به روایت ابوبکر شعبه بن عیاش (همان، برگ ۸۶) و قرائت کسائی به روایت نصیر (برگ ۸۹) را نقل کرده است. در باب دوم و سوم به اجازه از وی به استنادش از ابوعبید قاسم بن سلام و کتاب فضایل القرآن وی، روایاتی نقل کرده است (همان، برگ ۸ الف، ۱۹ الف).

۴- ابوعثمان سعید بن محمد (بن احمد بن محمد) البحریری

المقاباذی متوفی ۴۵۱ ق. (درباره وی ر. ک: سمعانی، الانساب، ذیل بحریری و صریفینی، المنتخب من السياق، ص ۳۶۴). اندرابی از وی قرائت نافع به روایت قالون (الايضاح، برگ ۸۰)، قرائت ابن کثیر به روایت قواس (الايضاح، برگ ۸۱) و قرائت عاصم به روایت ابوبکر بن عیاش (الايضاح، برگ ۸۵) را اخذ کرده است.

۵- ابوالقاسم عبدالرحمن بن احمد العطار الکحال (متوفی سلخ ربیع الثانی ۴۵۰ ق.). (ر. ک: الصریفینی، ص ۴۸۱). اندرابی وی را به شیخ مقری نحوی یاد کرده است. عطار قراءات را از ابوالحسین خبازی اخذ کرده است (الايضاح، برگ ۹۱). حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق.) خبازی را چنین توصیف کرده است: کان من أقرأ الناس و احسنهم آراء و أكثرهم اجتهاداً فی التلقین و کان من اکثر العلماء اجتهاداً فی العبادة، سمع بالعراق و جرجان بعد الخمسين و ثلاثمائة و توفی بنيسابور سنة ۳۹۸ (غایة النهایة، ج ۱، ص ۵۷۷).

اندرابی از وی (عطار) قرائت یعقوب حصرمی به سه روایت اخذ کرده است (الايضاح، برگ ۹۱): روایت روح به طریق ابن وهب، روایت رویس از نخاس و روایت ولید بن حسان از سمری. ۶- ابوالحسن علی بن محمد بن عبیدالله فارسی. ابن جزری وی را فردی حاذق در قرائت و امام در این فن معرفی کرده است (غایة النهایة، ج ۱، ص ۵۷۵). اندرابی به کرات از وی نقل قول کرده است (الايضاح، برگ ۷۷، ب، ۷۹ الف، ۷۹ ب، ۸۱ الف، ۸۳ الف و غیره). اندرابی از وی همه قراءات را اخذ کرده و هر جادر کتابش می‌گوید قرأت علیه، مرادش ابوالحسن فارسی (متوفی ذی القعدة ۴۳۱ ق.) است. (در مورد فارسی همچنین ر. ک: الصریفینی، ص ۵۷۵). فارسی قراءات را از ابوبکر احمد بن حسین بن مهران اخذ کرده است و به راوی آثار یا شاگرد ابن مهران معروف بوده است. ابن مهران یکی از بزرگان ائمه قرائت در روزگار خود بوده و بیش از شش کتاب در این فن نگاشته است.

۷- ابوبکر محمد بن عبدالعزیز حیری (متوفی رجب ۴۵۱ ق. ر. ک: الصریفینی، ص ۴۲ - ۴۳) (منسوب به محله حیره نیشابور ر. ک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۳۱). اندرابی وی را به الشیخ الحافظ یاد کرده است. این را می‌دانیم که وی از جمله روات از حاکم نیشابوری بوده است. اندرابی از وی احادیثی در فضائل قرآن در باب اول نقل کرده است (اخیراً ابوبکر محمد بن عبدالعزیز باسناده عن ابی عبید القاسم بن سلام) (الايضاح، برگ ۶ ب، ۷ الف). به همین شکل در باب دوم (همان، ۸ ب، ۹ الف) و باب بیست و سوم (برگ ۶۱ الف) احادیثی نقل کرده که جملگی از کتاب فضایل القرآن ابوعبید است. اندرابی از وی قرائت ابوجعفر

اقل من ثلاث: ای ثلاث لیلال».

۳) ابوعمرو محمدبن یحیی بن حسن الخوری (متوفی ۴۲۷ ق.) اندرایی احادیثی از وی در باب اول، دوم، نهم و بیست و پنجم آورده است. ابوعمرو محمدبن یحیی مؤلف کتاب فی قوارع القرآن است که اندرایی روایات خود را از این کتاب وی اخذ کرده است. این را می‌دانیم که اندرایی این کتاب وی را در روز یکشنبه رمضان ۴۲۹ در محضر جمعی از عالمان قرائت کرده است (فی قوارع القرآن، ص ۲۸).

در حال حاضر نسخه الايضاح در اختیارم نیست و تنها از یادداشت‌هایی که از این نسخه در اختیار دارم، می‌توانم بگویم که اندرایی حدیثی درباره فضیلت سبع الطوال در برگ ۳۸ الف آورده که اولین حدیث در کتاب فی قوارع القرآن است (ص ۲۹ - ۳۰). اصل این حدیث از کتاب فضایل القرآن ابوسعید احمدبن محمدبن ابراهیم از اصحاب ابوحاتم مکی بن عبدان نیشابوری (متوفی ۳۲۵ ق) روایت شده است (درباره کتاب فضایل القرآن ابوسعید ر. ک: فی قوارع القرآن، ص ۲۹، ۴۹ و ۶۶. کتاب دیگری از ابوسعید به نام الدعوات مورد استفاده ابوعمرو محمدبن یحیی بوده که شاید همان فضایل القرآن باشد. ر. ک: همان، ص ۳۷، ۶۹، ۷۶ و ۸۷). صریفینی (المنتخب من السیاق، ص ۳۸) شرح حال ابوعمرو خوری را آورده و اشاره کرده که وی «محب للحديث و اهله... عارف برسوم الحديث و سنة، صحيح النسخ، كثير الاصول، قليل الخلاف مع المخالف و الموافق، مفيد اصحاب ابی حنیفة» بوده است. (صریفینی از فرزند وی ابوعبدالله محمدبن یحیی (متوفی ۴۵۲ ق.) نیز نام برده است. همان، ص ۳۹).

۴) الشیخ ابوسعید محمدبن علی الخشاب (متوفی ۴۵۶ ق.) از وی در باب بیست و سوم و بیست و پنجم حدیث نقل کرده است. خشاب از خواص و راوی کتاب‌های ابوعبدالرحمن سلمی بوده است (در مورد وی ر. ک: المنتخب من السیاق، ص ۵۴ - ۵۵).

نسخه خطی الايضاح^۸

تنها یک نسخه از کتاب الايضاح موجود است که در کتابخانه بخش تحقیقات شرقی وابسته به دانشگاه استانبول، شماره A. Y. / ۱۳۵۰. شماره ۲۵ سطر کتابت شده است. تاریخ کتابت نسخه ۵۶۶ ه. ق. و به خط محمدبن عمر بن حمزه الحموی است. آغاز کتاب بعد از بسم‌الله چنین است: «الحمد لله الذي فطرنا على أحسن الفطر و هدانا لارشاد الملل و كرنا بالقرآن العربي و شرفنا بالنبي الامي نحمده على النعم الجليلة و المواهب الجزيلة حمداً يزيد و لا يبيدو يتصل فلا يتفصل

يزيدبن قعقاع مدني (الايضاح، برگ ۷۸ الف) را نیز اخذ کرده است. ۸ - ابوعبدالله محمدبن علی بن محمدبن حسن خبازی (متوفی ۴۴۹ ق.) وی مقری نیشابور بعد از پدرش بوده است (غایة النهاية، ج ۲، ص ۲۰۷) اندرایی نزد وی قرائت ابوجعفر به روایت عیسی بن وردان از عمری (الايضاح، ۷۷ ب) و قرائت نافع به روایت مسیبی (الايضاح، ۸۰ الف) را اخذ کرده است.

۹- ابومنصور نصر بن بکر بن احمد بن حسین بن مهران، نواده ابن مهران مشهور است. عبدالغافر فارسی شرح حال وی را آورده و گفته وی کتاب الغایة نوشته ابن مهران را روایت کرده است. ابومنصور، یکشنبه ۲۲ محرم ۴۴۷ درگذشته است (المنتخب من السیاق، ص ۷۰۸). اندرایی از وی قرائت حمزه به روایت دوری از ابن فرح (برگ ۸۹ الف) و قرائت کسایی به روایت دوری از احمدبن موسی (الايضاح، برگ ۸۹ ب) را اخذ کرده است. استاذان دیگر اندرایی که ظاهراً وی نزد آنها قراءات را فرا نگرفته است:

۱) ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام. وی مؤلف کتاب المبانی لنظم المعانی است و اندرایی از طریق وی روایات چندی از کتاب المبانی نقل کرده است. اندرایی در فصل دوم (ذکر نزول القرآن علی سبعة احرف و اختلاف العلماء فی تفسیر ذلك. الايضاح، برگ ۹ الف)، در باب چهارم (فی ذکر جمع القرآن فی الصحف. الايضاح، ۲۴ الف)، باب نهم (فی ذکر سبع الطوال و المثانی و المثین و الطواسیم و الحوانیم و المفضل... الايضاح، برگ ۴۲ الف) روایاتی از وی نقل کرده است. اندرایی روایاتی از کتاب المصنف عبدالرزاق بن همام صنعانی از وی به طریق استادیش روایت کرده است. (نمونه الايضاح، برگ ۴۲ الف؛ المصنف، ج ۱۱، ص ۲۱۸).

۲) ابوالقاسم عمر بن احمد بستنی. در مورد وی چیزی در منابع نیافتیم. اندرایی در باب اول (فضل تلاوت قرآن، فهم و حفظ آن) احادیثی به نقل از وی آورده است. به عنوان مثال حدیث زیر را نقل می‌کنم: «أخبرنا عمر بن احمد البستي قال أخبرنا ابوالحسن (ظاهراً ابوالحسن محمد بن حسن بن عتبة البوزجاني المذکر. متوفی اواخر ۴۷۰ ق. ر. ک: الانساب، ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۲) قال حدثنا ابوعمرو محمد بن جعفر بن مطر قال حدثنا الخليل بن محمد بن الخليل الواسطي بواسط قال حدثنا تميم بن المنتصر قال حدثنا اسحاق بن الارزق عن شريك عن يزيد بن ابان عن انس بن مالك رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم القرآن غني لا فقير بعده.»

در باب بیست و چهارم نیز حدیثی به سند دیگر از پیامبر از وی نقل کرده است که پیامبر فرموده‌اند: «لن يفقر من قرأ القرآن في

و تشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير و تشهد أن محمداً عبده ورسوله جاء بالحق وصدق المرسلين....»

اندرابى علت تأليف كتاب را چنین یاد کرده است: «اما بعد فقد طال الحاحكم معشر اصحابي اسعدكم الله بمرضاته باستدعاء كتاب في القراءات يشتمل على عظم ما يحتاج اليه القارى والمقرى موضوعاً، فاجبتكم الى ذلك توخياً لنصحكم و التماساً لمشاركم و رغبة الى الله عزوجل في صوالح ادعيتكم»

ابواب كتاب چنین است: (فهرست این ابواب در الايضاح، بر گهای ۲ الف - ۳ ب)

الباب الاول: في ذكر بعض ما جاء في فضائل القرآن و اهله و اخلاقهم و نعوتهم و صفاتهم و ما يكره لهم.

الباب الثاني: في ذكر نزول القرآن على سبعة احرف و اختلاف العلماء في تفسير ذلك.

الباب الثالث: في ذكر كيفية اخذ القراءة و الاختلاف بين القراء على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم.

الباب الرابع: في ذكر تأليف القرآن و جمعه في الصحف و من جمعه و كيف جمع و ما السبب الداعي الى جمعه. اندرابى ضمن روایت اخبار فراوانی که ابوبکر نخستین گردآورنده قرآن بوده است (۲۰ ب - ۲۳ الف) این نظر را ابراز می کند که قرآن در عهد پیامبر گردآوری شده است (و اعلموا اسعدكم الله ان القرآن قد كان مجموعاً على عهد رسول الله صلى الله عليه، فانه ما نزلت آية الا و قد امر رسول الله صلى الله عليه من كان يكتب له ان يضعها في موضع كذا من سورة كذا و منزلت سورة الا و قد امر الكاتب ان يضعها بجنب سورة كذا، يدل على ذلك ما اخبرنا به ابوبكر محمد بن عبدالعزيز - الايضاح، برگ ۲۳ الف).

الباب الخامس في ذكر اختلاف هجاء المصحف و اتفاقه و توجيهها الى الامصار و سبب اختلافها بالزيادة و النقصان.

الباب السادس: في ذكر الحروف التي كتب بعضها على خلاف بعض في المصحف و هي في الاصل واحدة.

الباب السابع: في ذكر قراءة القرآن من المصحف او عن ظهر قلب.

الباب الثامن: في ذكر معنى المصحف و الكتاب و القرآن و السورة و الآية و الكلمة و الحرف.

الباب التاسع: في ذكر السبع الطول و المثاني و المثين و الطواسيم و الحواميم و المفصل و المسبحات، و غير ذلك.

الباب العاشر: في ذكر تنزيل الكتاب و ترتيب نزول السور

المكية و المدنية، و كم نزلت بمكة و كم نزلت بالمدينة.

الباب الحادى عشر: في ذكر عدد سور القرآن و الاختلاف في ذلك.

الباب الثانى عشر: في ذكر تنزيل سور القرآن كلها على التفصيل و مواضع نزولها مع ذكر الايات المكيات في [السور] المدنية و المدنيات في [السور] المكية، باختلاف الروايات في ذلك.

الباب الثالث عشر: في ذكر ما نزل بمكة و حكمه مدنى و ما نزل بالمدينة و حكمه مكى.

الباب الرابع عشر: في ذكر تسمية السور و معرفة السور المختلف في اسمائها.

الباب الخامس عشر: في ذكر عدد أى القرآن و كلمه و حروفه، جملة.

الباب السادس عشر: في ذكر اختلاف القراء في عدد أى كل سورة من القرآن.

الباب السابع عشر: في ذكر الترغيب في عقد الاى بالاصابع.

الباب الثامن عشر: في ذكر معرفة الفواصل.

الباب التاسع عشر: في ذكر ما يعد من الاى، و ربما يلتبس على القارى و يشكل.

الباب العشرون: في ذكر ما لا يعد و ربما يلتبس و يشكل على القارىء.

الباب الحادى و العشرون: في ذكر اجزاء الثلاثين.

الباب الثانى و العشرون: في ذكر اجزاء الستين.

الباب الثالث و العشرون: في ذكر تفضيل اعراب القرآن و الحث على تعلمه و ذم اللحن.

الباب الرابع و العشرون: في ذكر صفة قراءة رسول الله صلى الله عليه وسلم و اصحابه و تابعيهم.

الباب الخامس و العشرون: في ذكر ما يستحب للقارى من تحسين اللفظ و تزئين الصوت بقراءة القرآن.

الباب السادس و العشرون: في ذكر الحدر و الترتيل و غير ذلك مما يحتاج اليه القارىء.

الباب السابع و العشرون: في ذكر اللحن الخفى، و مقالات ارباب الصناعة في ذلك.

الباب الثامن و العشرون: في ذكر مخارج الحروف.

الباب التاسع و العشرون: في ذكر اجناس الحروف و اصنافها و صفاتها و اقابها.

الباب الثلاثون: في ذكر ما ينبغى للقارىء و المقرئ.

الباب الحادى و الثلاثون: في ذكر سبب اجتماع الناس على

۲. منابع اندرابی در تالیف الايضاح

الف) سماع. عبارت‌هایی که اندرابی در این باره به کار برده، چنین است: اخبرنا (به عنوان مثال برگ‌های ۴ ب، ۵ الف، ۵ ب، ۶ ب، ۷ الف، ۷ ب و غیره)، در مواردی أخبرنی (برگ‌های ۲۲ الف، ۴۰ الف، ۴۱ الف). این روش در ابواب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹ و ۱۰ فراوان است.

ب) عرض (قرائت بر استاد): در باب ۳۲ آمده است: قرأت القرآن من اوله الى آخره على شيخنا الامام ابي الحسين على بن محمد [الخبازي] (الايضاح، برگ ۷۷ ب). در مواردی اندرابی تصریح می‌کند که بر وی خواندم (قرأت علیه) (الايضاح، ۸۴ الف، ۸۷ الف، ۹۰ الف) و یا قرأت القرآن كله من اوله الى آخره على الاستاذ الامام ابي عبدالله الخبازي (برگ ۹۲ الف). مشخص است که اندرابی آنچه در باب ۳۲ آورده، به طریق عرض از استادان خود نقل کرده است چرا که در آخر باب می‌گوید: فهذه أسانيد القراءات التي قرأت بها تلاوة و اخذتها لفظاً و سماعاً (برگ ۹۳ ب).

ج. اجازه: اجازه در اصطلاح علم الحديث آن است که شیخ به شاگرد خود بگوید: أجزت لك ان تروی عنی ما اروه و ماصح عندك من مسموعاتی و مصنفاتی (ر. ک: الباعث الحثيث شرح اختصار علوم الحديث، ص ۱۳۳). اندرابی به طریق اجازه از استاد خود ابوعلی حسن بن حسین بن حسن بخاری (باب سوم ۱۸ الف، ۲۱ ب) و نهم (۱۳۸ الف) و باب شانزدهم (۵۴ الف) و باب سی و دوم (۷۷ ب) روایت کرده است.

د. کتاب و نوشته‌های قرآنی و حدیثی: اندرابی از کتاب‌های فراوانی در تالیف الايضاح بهره برده ولی به اسم آنها تصریح نکرده و تنها سلسله سند نقل خود به کتاب‌ها را آورده است. تنها مقایسه مطالب متقول وی با کتاب‌های مختلف این امکان را به ما می‌دهد تا این مصادر را شناسایی کنیم. اسامی کتاب‌های مورد استفاده اندرابی به ترتیب الفبایی چنین است:

۱- ايضاح الوقف و الابتداء في كتاب الله عزوجل نوشته ابوبکر محمدين قاسم انباري. اندرابی در باب ۲۳ می‌گوید:

«ابن الانباري قال: حدثنا ادریس قال حدثنا خلف قال حدثنا محبوب عن ابي هرون الفنوي عن مسلم بن شداد الليثي عن عبيدبن عمير الليثي عن ابي بن كعب قال: تعلموا اللحن في القرآن كما تتعلمونه» متن این عبارت در ايضاح الوقف و الابتداء ج ۱، ص ۲۴ آمده است.

در همان باب اندرابی می‌نویسد:

ابن الانباري قال حدثني ابي قال حدثنا ابومنصور الصاغاني

قراءات القراء المعروفين و اقتدائهم بهم في امصار المسلمين دون غيرهم.

الباب الثاني و الثلاثون: في ذكر الاسانيد التي نقلت اليها قراءات القراء المعروفين، بروايات الرواة المشهورين.

الباب الثالث و الثلاثون: في ذكر ترجمة ذوى الاخبار على سبيل الاختصار.

الباب الرابع و الثلاثون: في ذكر كيفية الاستعاذة و معرفة معانيها.

الباب الخامس و الثلاثون: في ذكر التسمية...

الباب السادس و الثلاثون: في ذكر تغليظ اللام من اسماء الله عز و علا، و التريق.

الباب السابع و الثلاثون: في ذكر التأمين (قول أمين).

الباب الثامن و الثلاثون: في ذكر التكبير.

الباب التاسع و الثلاثون: في ذكر سجدة التلاوة.

الباب الاربعون: في ذكر الحاق «هاء» الاستراحة عند الوقف على المبنيات.

الباب الحادى و الاربعون: في ذكر اوزان فواتح السور التي هي على حروف المعجم.

الباب الثانى و الاربعون: في ذكر الادغام و التبيين.

الباب الثالث و الاربعون: في ذكر اشمام الحرف المدغم اعرابه.

الباب الرابع و الاربعون: في ذكر تحقيق الهمزة و التلين.

الباب الخامس و الاربعون: في ذكر التقاء الهمزتين من كلمة

كانتا او من كلمتين متفتتى الاعراب كانتا او مختلفتين.

الباب السادس و الاربعون: في ذكر الامالة و التفتيح.

الباب السابع و الاربعون: في ذكر السكت و التمكن.

الباب الثامن و الاربعون: في ذكر المدات و اوزانها و مقاديرها.

الباب التاسع و الاربعون: في ذكر فتح ياءات الاضافة و

اسكانها.

الباب الخمسون: في ذكر الياءات التي حذفت من الخط في

المصحف و اختلف القراء في اثباتها و اسقاطها.

الباب الحادى و الخمسون: في ذكر الوقف و الابتداء مجملاً

على ما ذكره العلماء بالقرآن.

الباب الثانى و الخمسون في ذكر كيفية الوقف على الحروف

التي تختلف بالضم و الكسر و الفتح.

الباب الثالث و الخمسون في ذكر كيفية الوقف على هاء

البتائيت التي تلحق الاسماء المفردة.

قال حدثنا يحيى بن هاشم الغساني قال حدثنا اسماعيل بن ابي خالد عن مصعب بن سعد قال مرَّ عمر بن الخطاب يقوم يرمون نبلاً فغاب عليهم. فقالوا: يا امير المؤمنين: انا قوم [متعلمين] فقال: لحنكم اشد على من سوء رميكم. سمعت رسول الله صلى الله عليه يقول: رحم الله امرأً أصلح من لسانه». اين عبارت در ايضاح الوقف ج ۱، ص ۲۳ آمده است.

۲- كتاب الاضداد، ابن انباري. اندرابي مي نويسد: قال ابن الانباري و أشهدنا ابوالعباس احمد بن يحيى الشيباني اى ثعلب و تلحن احياناً و خير الحديث... و لحن يلحن فهو لحن اذا افسد اى: اخطأ» اين عبارت در كتاب الاضداد، ص ۲۴۰ با تفاوت اندكى آمده است.

۷- كتاب المصاحف، ابو عبدالله بن ابي داود (متوفى ۳۱۶ ق.). اندرابي در باب ششم مي نويسد: كتب ان لاموصولاً في كل القرآن الا عشرة مواضع: في الاعراف «ان لا اقول على الله الا الحق» و فيها «ان لا تقولوا على الله الا الحق» و في التوبة: «ان لا ملجأ من الله الا اليه» و في هود «ان لا تعبدوا الا الله» و فيها «و ان لا اله الا هو» و في الحج «ان لا تشرك بي شيئاً» و في يس «ان لا تعبدوا الشيطان» و في الدخان «و ان لا تلجوا على الله» و في المودة اى: «الملتحنة ان لا يشركن بالله شيئاً» و في القلم، «ان لا يدخلنها اليوم [عليكم مسكين].» اين نقل در صفحه ۱۱۵ كتاب المصاحف آمده است.

۳- تاويل مشكل القرآن، ابن قتيبه (ص ۲۹). عبارتي در توجيه نزول قرآن بر هفت حرف آمده است. تنها تفاوت در ترتيب ذكر موارد تاويل ذكر شده براي اين حديث است.

نكات با اهميت كتاب الايضاح

۱- اقوال بلندي درباره السبع الطول، المثاني و المفضل (الايضاح، ۳۸ ب، ۳۹ الف) آمده كه از حيث تفصيل بر آنچه كه طبري آورده، برترى دارد. (جامع البيان، ج ۱، ص ۳۴-۳۵).
۲- حديثي نبوي درباره نزول قرآن بر هفت حرف آمده كه ظاهراً در آنچه از كتاب هاي چاپي علوم قرآني آمده موجود نيست (الايضاح، ۱۳ ب - ۱۴ ب).
۳- عبارتي از كتاب السبعة ابن مجاهد نقل شده كه در متن چاپي موجود نيست (برگ ۶۸ الف).

۴- تفسير طبري. در باب نهم درباره السبع الطول و المثاني، اندرابي مي گويد: قال الاندرابي: محمد بن جرير الطبري قال حدثني يعقوب بن ابراهيم قال حدثنا ابن عليه عن خالد الحذاء عن ابي قابله قال: قال رسول الله صلى الله عليه: اعطيت مكان التوراة السبع الطول و اعطيت المثاني مكان الزبور و اعطيت المثني مكان الانجيل و فضلت بالمفضل. «همين روايت در جامع البيان (ج ۱، ص ۳۴) آمده است.

۴- عبارات هاي مهم درباره ادغام را با توضيحات دقيقى آورده است (الايضاح، ۱۰۹ الف، ۱۱۴ الف).

۵- كتاب السبعة في القراءات، ابن مجاهد (متوفى ۳۲۴ ق.). اندرابي كتاب السبعة را از طريق استادش ابو عثمان بحيري به قرائت از ابن عامر به روايت ابن ذكوان دمشقي (عبدالله بن احمد بن ذكوان متوفى ۲۴۲ ق. نك: غاية النهاية، ج ۱، ص ۴۰۴) بهره برده است. روايت مهم ديگر اندرابي روايت از استادش ابو عثمان سعيد بن محمد بحيري از شيخش زاهرين احمد از ابن مجاهد است. به همين طريق اندرابي قرائت ابن كثير (الايضاح، برگ ۱۱ الف و كتاب السبعة، ص ۶۹۹) و قرائت نافع به روايت قالون (الايضاح، ۷۹) را روايت کرده است.

اندرابي قراءات را به صورت متفاوت خاصه از كتاب السبعة ابن مجاهد مرتب کرده است. ترتيب قراءات براساس ترتيب اندرابي چنين است: قرائت ابو جعفر يزيد بن قعقاع مدني (متوفى ۱۳۰ ق.); قرائت نافع بن عبدالرحمن مدني (متوفى ۱۶۹ ق.); قرائت عبدالله بن كثير مكّي (متوفى ۱۲۰ ق.); قرائت محمد بن عبدالرحمن ابن محيض (متوفى ۱۲۳ ق.); قرائت عبدالله بن عامر يحيصبي (متوفى ۱۱۸ ق.); قرائت ابو عمرو بن علاء (متوفى ۱۵۴ ق.); قرائت عاصم بن ابي نجود (متوفى ۱۲۷ ق.); قرائت حمزة بن حبيب كوفي (متوفى ۱۵۶ ق.); قرائت علي بن حمزه كسايبى (متوفى ۱۸۹ ق.); قرائت يعقوب حضمي (متوفى ۲۰۵ ق.).

۶- كتاب فضائل القرآن، نوشته ابو عبيد قاسم بن سلام هروي. اندرابي از اين كتاب در باب اول بيشتريين نقل را آورده است كه با موضوع اين فصل نيز سازگاري دارد. شيوه اندرابي در نقل از اين كتاب به طريق استادش ابوبكر محمد بن عبدالعزيز است.

چنين ترتيبى را ابوالعز قلانسى واسطى (متوفى ۵۲۱ ق) در كتاب الارشاد في القراءات العشر) نيز آورده است. تنها فرق بين وي و اندرابي در اين است كه اندرابي قرائت ابن محيض را جزء

(اخبرنا ابوبكر محمد بن عبدالعزيز باسناده عن ابي عبدالقاسم بن سلام قال: حدثني ابويوب الدمشقي عن الحسن بن علي الحسيني قال حدثنا زيد بن واقد عن بشر بن عبدالله عن ابي ادريس

التشمیر فی الامر بالمعروف و انکار المنکر، فرایت من الحسبة دفع هذه الشبهة عن الاصحاب و بادرت ألی جمع هذا الكتاب و اوردت فيه كل ما قيل انه نزل فيهم او فسّر و حمل عليهم من الايات و اعرضت عن نقد الاسانيد و الروایات تكثرأ لانه هوراً و سميته بشواهد التنزيل لقواعد التفصيل و حسبنا الله و نعم الموفق و الوكيل.»^۱

این قاضی ابوعلاء صاعدین محمد که حسکانی از وی یاد کرده، بزرگ حنفیان نیشابور و سرسلسله دودمان آل صاعد است. ابوعلاء صاعد بن محمد بن احمد بن عبدالله در ۳۴۳ ق. در استوا (از نواحی نیشابور) به دنیا آمد. در نیشابور نزد عالم حنفی - معتزلی ابونصر محمد بن محمد بن سهل و قاضی حنفی ابوعثمان بن عتبة تلمذ نموده است. در ۳۱ سالگی در سال ۳۷۵ ق. به مکه رفت و در راه از مشایخ کوفه و بغداد سماع حدیث نمود. در بغداد به محضر خلیفه بار یافت و خلیفه از وی درباره علت نظرش در بیان فتوایی درباره قبر هارون الرشید سؤال نمود. قاضی ابوعلاء در ۴۳۱ ق. درگذشت. قید قدس روحه که حسکانی برای او آورده، دلالت دارد که کتاب خود را بعد از وفات وی نوشته است.^۲

عدم نزول سورة هل اتی در شأن اهل البيت، موجب طرح دشمنی کرامیان با اهل بیت شد و این مؤلف کتاب زین الفتی را به تألیف کتابی در شرح سورة هل اتی و اثبات نزول آن در حق اهل بیت واداشت. آنچه که در اینجا برای ما جالب توجه است، نسخه خطی کتاب زین الفتی است. آقای محمودی که بخشی از کتاب زین الفتی را با عنوان العسل المصفی فی تهذیب زین الفتی به چاپ رسانده‌اند، درباره نسخه یا نسخه‌های خطی این کتاب اشاره خاصی نکرده‌اند. این را می‌دانیم که پدر صاحب عقبات، سیدمحمدقلی هندی در تشیید المطاعن از نسخه زین الفتی که در اختیار داشت مطالبی را نقل کرده که عالمان بعدی امامیه از طریق وی از زین الفتی نقل قول آورده‌اند. فرزند سیدمحمدقلی یعنی میرحامد حسین در اثر مشهور خود عقبات الانوار علاوه بر نقل حدیث غدیر، بخشی از مقدمه کتاب را که دقیقاً مثل مقدمه متن چاپی است، نقل کرده است.^۳

تا آنجا که در فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه بیهار نسخه‌ای به نام زین الفتی فی تفسیر سورة هل اتی معرفی شده است. شمس العلماء محمد هدایت حسین خان درباره این نسخه نوشته است:

شماره ۲۰: زین الفتی فی تفسیر هل اتی

شرحی بر سورة هل اتی توسط ابومحمد احمد بن محمد بن علی العاصمی. آغاز افتاده چنین است: و سماته اصدق السمات

قرائت‌های غیرشاذ آورده ولی واسطی آن را قرائت شاذ دانسته است. دلیل این نظر را باید، سيطرة اندیشه ابن‌مجاهد دانست. (برای مناقشه در این باره ر.ک: احمد نصیف الجنابی، الدراسات اللغویة و التحویة فی مصر منذ نشأتها حتی نهاية القرن الرابع الهجری، ص ۶۵۸ به بعد.)

۵ - ابواب فراوانی که در کتاب اندرابی آمده، در البرهان فی علوم القرآن زرکشی و الاتقان فی علوم القرآن سیوطی نیز موجود است. مثلاً باب دهم (فی ذکر تنزیل الكتاب و ترتیب نزول السور المکیة و المدنیة) (الایضاح، برگ ۴ ب قس البرهان، ج ۱، ص ۱۸۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۴۷، ۷۲-۷۳) و باب دوازدهم (ذکر تنزیل سور القرآن علی التفصیل و مواضع نزولها مع ذکر الايات المکیات فی السور المدنیة و المدنیات فی السور المکیة) (الایضاح، برگ ۴۵ الف قس البرهان، ج ۱، ص ۱۹۹؛ الاتقان، ج ۱، ص ۳۸) و باب سیزدهم (ذکر منزل بمکه و حکمه مدنی و ما نزل بالمدينة و حکمه مکی) (الایضاح، برگ ۴۹ الف قس البرهان، ج ۱، ص ۹۵) و باب چهاردهم (فی ذکر تسمیة السور و معرفة السور المختلف فی اسمائها) (الایضاح، برگ ۴۹ ب و البرهان، ج ۱، ص ۲۶۹ و الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۳) و باب پانزدهم (ذکر عدد آی القرآن و کلمه و حروفه جمله) (الایضاح، برگ ۵۲ الف: البرهان، ج ۱، ص ۲۴۹؛ الاتقان، ج ۱، ص ۸۴) و باب نوزدهم (ذکر معرفة الفواصل برگ ۵۷ ب قس البرهان ج ۱، ص ۵۳ و الاتقان، ج ۱، ص ۱۷) را مثال زد.

نسخه خطی کتاب زین الفتی

کتاب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی، یکی از آثار است که می‌توان آن را در رده فضایل نگاری‌های اهل سنت درباره اهل بیت دانست. داستان تألیف این کتاب به ماجرای باز می‌گردد که حاکم حسکانی آن را گزارش کرده است. حاکم حسکانی می‌نویسد:

«اما بعد فان بعض من تراس علی العوام و تقدم من اصحاب ابن کرام قعد فی بعض هذه الايام فی مجلسه و قد حضره الجمع الكثير و احنوشه الجم الغفیر و هو يستغویهم بالوقیعة فی نقیب العلویة حتی امتد فی غلوائه و ارتقی الی نقص ابائه فقال: لم یقل احد من المفسرین انه نزل فی علی و اهل بیته سورة هل اتی علی الانسان و لاشی سواها من القرآن، فانکرت جراته و اکبرت بهته و فریته و انتظرت الانکار علیه من العلماء و الاخذ علیه من الکبراء فلم یظهر من ذلك الا ما کان من القاضی الامام عمادالاسلام ابی‌العلاء صاعدین محمد قدس روحه من معاتبه بعض خواصه الحاضرین ذلك المجلس باعضائهم عن التکیر مع ادعائه

است. این تفسیر کتابی مختصر است که به شیوه روایی نوشته شده است.»

نکته شگفتی که در این میان وجود دارد، آن است که تفسیری به نام تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس منسوب به محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ ق.) وجود دارد که شباهت کاملی به تفسیر الواضح دارد. تنها تفاوت این دو کتاب، وجود مقدمه‌ای در آغاز الواضح است که در متن تنویر المقیاس که بارها چاپ شده، موجود نیست. این را بیفزاییم که از تفسیر الواضح سه نسخه شناخته شده وجود دارد: لیدن ۱۶۵۱ (تحریر در ۷۲۶ ق.) در ۳۱۱ برگ؛ ایاصوفیا ۲۲۲ (تحریر در ۵۸۵ ق.) در ۳۱۲ برگ و جلد دوم ۲۲۲، تحریر در ۵۵۷۸ ق. در ۲۳۴ برگ؛ و حیدرآباد، اصفیه، تفسیر شماره ۵.

در مقدمه کتاب الواضح (که ما آن را از مقاله آقای ریپین از نسخه لیدن نقل می‌کنیم) آمده است: ابو محمد الدینوری مؤلف الواضح که وی آن را جمع کرده و از میان مآخذ استخراج کرده و آن را برای اهل خرد خلاصه نموده، می‌گوید: می‌دانی که قرآن مشتمل است بر امر و نهی، وعد و وعید، ناسخ و منسوخ، حلال و حرام، واضح و مبهم، محکم و متشابه، خاص و عام، اخباری از آینده و حال، برانگیزاننده به خوبی و دورکننده از بدی، توصیف خالق و صفات او و آنچه که به خدا ارتباط دارد... هر آنچه که در این تفسیر مختصر برای تو فهمش دشوار آمد، تفصیلش را در تفسیر کلبی که یوسف بن بلال روایت کرده است، جستجو کن (نسخه لیدن، شماره ۱۶۵۱ (Warn ۵۰۷) برگ ۲ ب).^{۱۳}

جالب توجه اطلاعات رافعی در این باره است. رافعی از فردی به نام عبدالملک بن علی ابوحنیفه قزوینی نام برده و می‌نویسد: «عبدالملک بن علی ابوحنیفه القزوینی شیخ، روی بنی‌سبور التفسیر المعروف بالواضح لأبی محمد عبدالله بن المبارک الدینوری عن ابی بکر محمد بن یعقوب الاستوایی عن المصنف و سمعه منه (یعنی تفسیر الواضح را از قزوینی) ابو عبدالله الحسین بن محمد بن ابراهیم الدامغانی و روی الكتاب عنه الامام ابو اسحق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی و حکى روايته عنه فى اول كتابه (الکشف و البیان) فى جملة ما عدا من كتب التفسیر و اسانیدها»^{۱۴}

نکته‌ای که رافعی در باب ذکر تفسیر الواضح در کتاب الکشف و البیان آورده، صحیح است. ثعلبی (متوفی ۴۲۷ ق.) در آغاز تفسیر الکشف و البیان مصادر مورد استفاده خود را معرفی کرده است.^{۱۵} یکی از این منابع، تفسیر کلبی به روایت یوسف بن بلال است. روایت ثعلبی چنین است: [تفسیر الکلبی] طریق یوسف بن بلال.

واصله از کی الاصول. مؤلف در مقدمه می‌گوید که تفسیری بر سوره الرحمن نگاشته و کتاب حاضر را به خواهش دوستانش نوشته است. برگ ۱۲ - ۱۳ الف احادیثی در منقبت علی (ع) دارد. کتاب به فصول زیر تقسیم شده است:

۱۳ ب: الفصل الاول فى ذکر النزول و عدد آیات السورة و حروفها و کلماتها و ثواب قاریها؛

۱۳ الف: الفصل الثانى فى ذکر اعراب هذه السورة و مواضع الوقوف منها؛

۴۱ ب: الفصل الثالث فى ذکر بعض فوائد هذه السورة على وجه الایجاز و الاختصار؛

۶۳ الف: الفصل الرابع فى ذکر نظم هذه السورة و تلیق آیاتها و خصائصها؛

۸۱ الف: الفصل الخامس فى ذکر مشابه المرتضى سلام الله علیه؛

۳۵۴ الف: الفصل السادس فى ذکر اسامى المرتضى سلام الله علیه؛

الفصل السابع فى ذکر خصائص المرتضى سلام الله علیه؛

الفصل الثامن فى ذکر خصائص السبطين؛

الفصل التاسع فى فضائل اهل البيت والعترة؛

الفصل العاشر فى فضائل الصحابة؛

۴ فصل آخر در نسخه حاضر موجود نیست و برگهای ۳۸۶ ب و

۳۸۷ الف سفید است. بخش آخر نسخه کرم خوردگی دارد. نسخه

به دست خط‌های مختلفی کتابت شده است. تاریخ کتابت ۱۲۷۱

ق. است نسخه در ۳۹۵ برگ، ۱۲ سطر در هر صفحه و به

اندازه‌های ۶۱ × ۹ و ۴/۵ × ۷ کتابت شده است.^{۱۶}

الواضح فى تفسیر القرآن و تنویر المقیاس

محققان حوزه تفسیر عرفانی در مقام ذکر مثالی از تفاسیر کهن عرفانی، غالباً به تفسیر الواضح فى تفسیر القرآن نوشته عبدالله بن مبارک (متوفی ۱۸۱ ق) اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، سلیمان آتش در کتاب مکتب تفسیر اشاری (ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ص ۵۴) بعد از ذکر شرح حال عبدالله بن مبارک به نقل از شذرات الذهب، ابن عماد حنبلی (ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۷) می‌نویسد: «عبدالله بن مبارک تفسیری به نام الواضح فى تفسیر القرآن در دو جلد نوشته است. نسخه‌ای از این تفسیر در بخش ایاصوفیه در کتابخانه سلیمانیه موجود است. جلد اول یا سوره کهف به پایان رسیده است. این نسخه در ۵۸۵ ق. / ۱۱۸۹ م به خط خضر بن محمد استنساخ شده

احتمالاً ابن تیمیه از همین کتاب نقل کرده باشد. اقوال ذکر شده، پنج نظر درباره قرآن است که تمامی آن را در اینجا می آوریم: (ظاهراً فهرست کتاب جمل الکلام است)

«و قال محمد بن الهیصم فی کتاب جمل الکلام له لما ذکر جمل الکلام فی القرآن و انه مبنى على خمسة فصول: احدها: ان القرآن كلام الله فقد حكي عن جهنم بن صفوان ان القرآن ليس كلام الله على حقيقة انما هو كلام خلقه الله فنسب اليه كما قيل سماء الله و ارض الله و كما قيل بيت الله و شهر الله و اما المعتزله فانهم اطلقوا القول بانه كلام الله على الحقيقة ثم وافقوا جهماً فی المعنى حيث قالوا: كلام الله خلقه بائناً منه و قال عامة المسلمين: ان القرآن كلام الله على الحقيقة و انه تكلم به و الفصل الثاني فی ان القرآن غير قديم. فان الكلايه و اصحاب الاشعري زعموا ان الله لم يزل يتكلم بالقرآن و قال اهل الجماعة بل انما تكلم بالقرآن حيث خاطب به جبرئيل و كذلك سائر الكتب.

و الفصل الثالث ان القرآن غير مخلوق فان الجهمية و النجارية و المعتزله زعموا انه مخلوق و قال اهل الجماعة انه غير مخلوق. و الفصل الرابع انه غير بائن من الله فان الجهمية و اتباعهم من المعتزله قالوا: ان القرآن بائن من الله و كذلك سائر كلامه و زعموا ان الله خلق كلاماً فی الشجرة فسمعه موسى و خلق كلاماً فی الهواء فسمعه جبرئيل و لا يصح عندهم ان يوجد من الله كلام يقوم به فی الحقيقة و [الخامس قول] اهل الجماعة بل القرآن غير بائن من الله و انما هو موجود منه و قائم به».^{۱۸}

النتف في الفتوى

صلاح الدين الناهي در ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م در مقاله ای با عنوان «التعريف بكتاب النتف في الفتاوى» (مجله المجمع العلمي العراقي، المجلد ۱۹، ص ۱۹۰-۲۲۰) ضمن معرفی این کتاب، از تمام ابواب کتاب مطالبی را ذکر کرده و کتاب را به قاضی حنفی ابوالحسن علی بن حسین سعیدی (متوفی ۴۶۱ ق.) نسبت داد. همو، متن کل کتاب را در ۱۹۷۵-۱۹۷۶ م. (بغداد) منتشر کرد. این انتساب نادرست است و مؤلف کتاب یکی از عالمان کرامی احتمالاً از قرن پنجم می باشد و مراد از ابوعبدالله که در متن کتاب به کرات به کار رفته، ابوعبدالله محمد بن کرام (متوفی ۲۵۵ ق.) بنیانگذار کرامیه است. متن این کتاب، مدرک بی نظیری است که آرای کرامیه را در همه ابواب فقهی در اختیار ما قرار می دهد.

تذکر پایانی

چاپ و یافت شدن متون کرامیه، این امید را به ما می دهد که

اخبرنا ابومحمد شبیه بن محمد بن احمد الشيعي (كذا) (وى ابومحمد شبیه بن ابى احمد الشيعي متوفى ۳۹۵ ق. است. ر.ک: المنتخب من السياق، ص ۳۹۰) المقرئ بقرائته عليه قال اخبرنا ابوالحسين على بن محمد بن فوذالوراق سنة احدى و عشرين و ثملاثمائة قال حدثنا ابونصر احمد بن محمد بن نصر اللباد...»^{۱۹}

ثعلبی اطلاع جالب دیگری نیز آورده است. وی به تفسیر الواضح اشاره کرده و گفته ابوحنیفه قزوینی آن را برای ابوبکر محمد بن یعقوب استوایی روایت کرده است. (با عبارت رافعی در قبل اندکی اختلاف دارد). سؤالی که اینک مطرح می شود، این است که این ابومحمد عبدالله بن مبارک دینوری کیست؟ سزگین (GAS, 1, 42) ابومحمد عبدالله بن محمد بن وهب دینوری (متوفی ۳۰۸ ق.) را مؤلف الواضح معرفی کرده است. محمد بن علی داوودی در طبقات المفسرين (ج ۱، ص ۲۴۴، شماره ۲۳۳) تنها می نویسد: عبدالله بن مبارک الدینوری له تفسیر المعروف بالواضح، خوشبختانه دو سلسله سند در آغاز تفسیر الواضح آمده که به ما امکان می دهد تا این ابومحمد دینوری را بشناسیم. متن این دو سلسله سند چنین است:

۱) اخبرنا عبدالله الثقة بن مأمون المروى (ابوالحسين عبدالله بن مأمون الهروى الثقة) قال أخبرنى ابى [مأمون بن احمد السلمى الهروى] قال أخبرنا ابوعبدالله (محمد بن كرام) قال أخبرنا ابوعبدالله محمود رازى قال أخبرنا عمار بن عبدالمجيد الهروى قال أخبرنا على بن اسحاق سمرقندى (متوفى ۲۳۷ ق.) عن محمد بن مروان [السدى الصغير متوفى ۱۴۶ ق.] عن الكلبي عن ابى صالح عن ابن عباس.

۲) عبدالله بن مبارک [الدینوری] قال حدثنا على بن اسحاق السمرقندى عن محمد بن مروان عن الكلبي عن ابى صالح عن ابن عباس. (تویر المقباس من تفسیر ابن عباس، ص ۲-۳)

آنچه از مطالب فوق می توان نتیجه گرفت، موارد زیر است:

- ۱- انتساب تویر المقباس (الواضح فی تفسیر القرآن) به فیروزآبادی منتهی است.
- ۲- ابومحمد عبدالله بن مبارک دینوری کسی جز عبدالله بن مبارک (متوفی ۱۸۱ ق.) است و احتمالاً یکی از کرامیان نیشابور (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم) است.

جمل الکلام (جمل المقالات) محمد بن هیصم

بنا به نقل ابن تیمیه، محمد بن هیصم کتابی به این نام داشته است. از طریق منابع دیگر می دانیم که ابن هیصم، کتابی به نام المقالات داشته است که منقولاتی از آن باقی مانده است.^{۲۰}

۱) اخبرنا ابو محمد حامد بن احمد قال اخبرنا ابو عبدالله محمد بن الهيصم قال حدثنا ابو النصر محمد بن علي الطالقاني قال حدثنا ابو سهل محمد بن علي بن الاشعث الانماری قال حدثنا عبدالله بن محمد بن سليم قال حدثنا صالح بن محمد الترمذی قال حدثنا محمد بن مروان عن الكلبي... نسخة خطی الايضاح، برگ ۴۲ ب - ۴۴ ب قس المبانی، ص ۸-۱۶.

۲) اخبرني ابو محمد حامد بن احمد رحمه الله قال اخبرنا الشيخ الامام ابو عبدالله محمد بن الهيصم بن احمد قال اخبرني ابو علي احمد بن محمد... الايضاح، منقول در جنابی، الايضاح فی القراءات ص ۲۱۳ قس المبانی، ص ۲۰۷.

4. C.Gilliot, Op.cit, p.57.

۵. احمد نصيف الجنابى، الايضاح فى القراءات، مجلة المجمع العلمى العراقى، الجزء الثالث (المجلد ۳۶) ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۵، ص ۲۰۴-۲۰۵ معتقد است که ابن جزرى به کتاب دسترسى نداشته است.

۶. ابو عمرو محمد بن يحيى، فى قوارع القرآن، تحقيق قاسم النورى، مشهد، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۸، ۲۹، ۵۰، ۷۲.

۷. آنچه که در اين بخش آورده ام، از مقاله پربار دکتر احمد نصيف جنابى برگرفته ام که با مشخصات زیر در دو مجله به چاپ رسيده است:

«الايضاح فى القراءات»، مجلة المجمع العلمى العراقى، الجزء الثالث (المجلد ۳۶) (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۵) ص ۲۰۱-۲۳۵ و مجلة معهد المخطوطات العربية (المجلد ۲۹) الجزء الاول ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م. ص ۲۱۹-۲۵۲. گفتمنى است که احمد نصيف جنابى باب سى و دوم کتاب الايضاح راتحقيق و به چاپ رسانده است. اندرابى، احمد بن ابى عمر، قرائات القراء المعروفين، بيروت، ۱۴۰۵ و ۱۴۰۷ ق. / ۱۹۸۶ م (چاپ دوم).

در مدخل اندرابى، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، ج ۱۰، ص ۳۲۲-۳۲۳ به برخى از جنبه هاى زندگى اندرابى اشاره شده است.

۸. عكسى از اين نسخه در كتابخانه مرحوم سيدعبدالعزیز طباطبایى در قم و كتابخانه دايرة المعارف بزرگ اسلامى در تهران موجود است.

ر.ك: محمود طيار مراغى، فهرست نسخه هاى عكسى و ميكروفيلم هاى كتابخانه محقق طباطبایى در المحقق الطباطبایى فى ذكره السنويه الاولى، ج ۳، ص ۱۴۴۸-۱۴۴۹. آقای طيار مراغى تاريخ پايان كتابت را يكشنبه دوم ذیحجه ۵۵۹ قرائت کرده اند.

۹. الحسکانى، شواهد التنزيل، تحقيق و تعليق علامه محمدباقر المحمودى (تهران، ۱۴۱۱ ق) ج ۱، ص ۱۹-۲۰.

در آینده ای نزدیک بتوانیم متون بیشتری از این فرقه در اختیار داشته باشیم. کتاب قصص الانبياء ابوالحسن هيصم بن محمد بن عبدالعزيز (متوفى ۴۶۷ ق.) که متن آن به دو صورت عربى و فارسى موجود است، به زودى منتشر خواهد شد. "مشکل اصلی در مطالعه کراميه، پراکندگى بسيار اطلاعات درباره این نحله است، گروهى که حداقل برای چهار سده در خراسان در گسترش فرهنگ و ادب فارسى و اسلام نقش مهمى داشته اند. آنچه که در وهله نخست لازم است، گردآوری تمام اطلاعات درباره این نحله در متون مختلف است." بستر فرهنگى که کراميه در آن بالیده است، يعنى خراسان بزرگ، تمايلات همدلانه فراوانى با کراميه داشته است. بسيارى از اقوال زاهدانه و عرفانى موجود از بزرگان کراميه، در متون نگاشته شده در اين حوزه قابل مشاهده است. به عنوان مثال ابو محمد عبدالله بن محمد بن نصر هروى (متوفى ۳۷۹ ق.) مى گوید: الحزن يمنع من الطعام و الخوف يمنع من الذنوب و الرجاء يقوى على الطاعات و ذكر الموت يزهّد فى الفضول» (القدر، چاپ يوسف الهادى، ص ۳۰۹). همچنين متون موجود کرامى، اطلاعات جالبى درباره سادات نيشابور در بر دارد. "نگارش مقالات متعدد درباره کراميه، در ساليان اخير، موجب روشن شدن جنبه هاى متعددى از اين نحله شده و مى توانيم بگوئيم: کراميه بيش از آنچه که گمان مى کرده ايم، آثارى از خود باقى نهاده اند."^{۳۳}

پانویست ها:

۱. تمام اطلاعات ما درباره اسناد کتاب المبانی به نقل از مقاله عالمانه كلود ژيليو با مشخصات كتابشناختى زیر است:

claude Gilliot, "Les Sciences Coraniques ches Les karramites Du khorasan: Le Livre Des Fondations", Journal Asiatique, Tome 288.1 (2000), pp.15-81.

به هويت کرامى اين کتاب نخست آرون زيزو در مقاله زیر اشاره کرده است، گرچه وی نیز درباره مؤلف کتاب راه به جابى نبرده است. ر.ك:

Aron zysow, "Two unrecognized karrami Texts," in Journal of the American Oriental Society, 108.4 (1998), pp. 577-579.

۲. وی مؤلف اثرى مهم با عنوان الابصار فى اصول الروايات و غرابها بوده است. ر.ك: الصريفينى، المنتخب من السياق، ص ۴۰ و ۶۲۷.

۳. به عنوان مثال دو مورد زیر را مى توان ذکر کرد:

کتابی که به صورت اختصاری در بخش بررسی اسناد المبانی ذکر شده، چنین است:

- 1) Claude Gilliot, Exegese, langue et theologie en islam. L'exegese coranique de Tabri, paris, 1990
- 2) Bernd Radtke, "Theologen und Mystiker in Hurasan und Transoxanien", ZDMG, 136 (1986), pp.536-69.

کتاب المبانی لنظم المعانی تنها در یک نسخه خطی ۹۱۰ کتابخانه برلین (۱۰۳ wetzstein) در ۲۷۳ برگ باقی است که تنها تا سوره احزاب است. مقدمه این کتاب (۸۵ برگ از نسخه) توسط آرتور جفری در ۱۹۵۴م. همراه با مقدمه المحرر الوجیز ابن عطیة اندلسی با عنوان مقدمتان فی علوم القرآن به چاپ رسیده است. چاپ دوم این کتاب با تصحیح برخی اغلاط توسط عبدالله اسماعیل الصاوی (قاهره، ۱۳۹۲ ق. / ۱۹۷۲ م.) نیز منتشر شده است. من بخش چاپ نشده را بررسی کردم، متأسفانه سند یا عبارتی دال بر هویت مؤلف ندارد. عکسی از کل کتاب در مرکز احیاء تراث اسلامی (قم) موجود است و دو تن از فضلاء حوزه علمیه در حال تصحیح کل کتاب اند.

۲۰. اطلاعات رجالی اندکی درباره کرامیه وجود دارد. مهم ترین منبع برای معرفی رجال کرامیه، المنتخب من السیاق تحریر صریفینی است. عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (۴۵۱-۵۲۹) به خواهش ابوالقاسم زاهرین طاهر شحامی (د ۵۳۳) به فکر نگارش تکمله ای بر کتاب تاریخ نیشابور حاکم (د ۴۰۵) افتاد و کتابی به نام السیاق لتاریخ نیشابور نگاشت. اصل کتاب وی باقی نمانده و تنها یک منتخب و مختصری از آن موجود است که هر دو را آقای محمدکاظم محمودی تصحیح کرده و متن المنتخب را جامعه مدرسین در ۱۴۰۳ ق. چاپ کرد. و متن المختصر را آئینه میراث به زودی منتشر خواهد کرد. در سراسر این دو کتاب به اصحاب محمدبن کرام و افراد کرامی با عنوان اصحاب ابوعبدالله اشاره شده و برای تمایز با حاکم از وی به ابوعبدالله حافظ یاد شده است. در دیگر آثار رجالی، تنها اطلاعات پراکنده ای در باب رجال کرامیه موجود است. مثلاً ابن عساکر در تاریخ دمشق خود یکی از شیوخ حدیثی کرامی خود به نام ابورشید علی بن عثمان بن محمد بن هیصم را تنها در سلسله سند برخی احادیث نام برده است. ر.ک: همو، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۱۶۷، ج ۸، ص ۱۱۳، ج ۲۲، ص ۳۵۸، ج ۳۱، ص ۳۳۹، ۳۴۰، ج ۳۹، ص ۲۵۹، ج ۴۵، ص ۲۸۶، ج ۵۲، ص ۱۰۵ و ج ۵۶، ص ۳۱۷. در یک مورد نیز در سلسله اسناد خود از ابوعبدالله محمدبن الهیصم بن احمد المطوعی که در

10. Richard W. Bulliet, The Patricians of Nishapur, A study in Medieval Islamic Social History, Cambridge, 1972, pp.201-204.

۱۱. میرحامد حسین الكهنوی، عیقات الانوار، تحقیق غلامرضا مولانا البروجردی (قم، ۱۴۰۸ ق) ج ۶، ص ۳۱۳-۳۱۹، الامینی، الغدیر، ج ۶، ص ۱۱۲.

12. Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Buhar Library, no.20.

13. Andrew Rippin, "Tafsir Ibn Abbas and Criteria for Dating Early Tafsir Texts", Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 18(1994), p.55.

۱۴. عبدالکریم بن محمدالرافعی، التدوین فی اخبار قرظین، تحقیق شیخ عزیزالله العطاردی، (بیروت ۱۴۰۸ ق. / ۱۹۸۷) ج ۳، ص ۲۷۱.

15. Andrew Rippin, op.cit.p.48

در شرح حال ابوحامد احمدبن اسماعیل بن جبرئیل مقری گفته شده، تفسیر کلبی را از یوسف بن بلال از محمد بن مروان از کلبی روایت کرده است. اکمال الکمال، ج ۷، ص ۷۸. یوسف بن بلال راوی تفسیر کلبی است. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۰، ۱۴۱ و کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۵۷.

16. Isaiab Goldfeld, "The Tafsir or Abdollah b. Abbas, Der Islam, LvIII, Heft 1,p.133.

در مآة المنقبه، ص ۱۴۹ نیز سندی جالب توجه در روایت یوسف بن بلال آمده است: «حدثنا الحسين بن محمد بن مهران الدامغانی من كتابه قال حدثني محمدبن عبدالعزيز بن نصر قال حدثني عبدالله بن مبارك الدينوري قال حدثني الحسن بن علي قال حدثني محمدبن عبدالله بن عروه قال حدثني يوسف بن بلال عن محمدبن مروان...».

۱۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۲۹، ۲۳۷ و ج ۵، ص ۱۳۴.

۱۸. ابن تیمیة، درء فی تعارض العقل و النقل، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ همو، الاسماء و الصفات، ج ۱، ص ۹۴-۹۵.

۱۹. متن عربی را خانم Cornelia Schoeck تصحیح کرده است. این اطلاع را نگارنده از پروفسور کلودژلیو دریافت کرده است. در مورد روایت متن فارسی ر.ک: سیدعباس محمدزاده، «معرفی نسخه خطی قصص الانبیای بوشنجی / نابی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد شماره ۱۲۸-۱۲۹ (۱۳۷۹ ش) ص ۲۵۳-۲۷۱. مشخصات مقاله و

reprinted in Bosworth, *The Medieval History of Iran, Afghanistan and central Asia* (London, 1977), pp. 7-12.

ترجمه فارسی آن ادموند بوزورث، «ظهور کرامیه در خراسان»، ترجمه اسماعیل سعادت، مجله معارف، دوره پنجم شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۶۷.

4) Jean-claude vadet, "le karramisme de la haute-asie au carrefour de trois sectes rivales, *Revue des Etudes Islamiques*, vol: XLVIII, Fascicule 1(1980), pp.25-50.

5) Aron zysow, "Two unrecognized karrami Texts," *Journal of the American Oriental Society*, 108. 4(1988), pp.577-587.

۶. محمدرضا شفیعی کدکنی، «چهره دیگری از محمدین کرام در پرتوی سخنان نویافته»، در محسن باقرزاده، ارج نامه ایرج.

۷. همو، روابط شیخ احمد جام با کرامیان عصر خویش، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره‌های ۶، ۷، ۸ (۱۳۷۳-۱۳۷۴)

۸. همو، نخستین تجربه‌های شعر عرفانی در زبان پارسی، در درخت معرفت (جشن نامه دکتر عبدالحسین زرین‌کوب) به کوشش علی اصغر محمدخانی (تهران، ۱۳۷۶)

۹. همو، «سقیینه‌یی از شعرهای عرفانی قرن چهارم و پنجم»، در جشن نامه استاد ذبیح‌الله صفا به کوشش سیدمحمد ترابی، تهران ۱۳۷۷، ص ۳۴۰-۳۶۰

10. Margarat Malamod, "The politics of Hersy in Medieval kurasn: The karramiyya in Nishapur", *Iranin studies*, vol: 27 (1994)1-4, pp.37-51.

ترجمه فارسی آن در مجله خراسان پژوهی، شماره ۵ (؟)

۱۱. محمدکاظم رحمتی، «پژوهشی درباره کرامیه»، مجله هفت آسمان، شماره دوم (۱۳۷۸) ص ۱۱۸-۱۴۳. تحریر کامل‌ترین مقاله در کتاب ماه دین شماره ۴۳ (۱۳۸۰) ص ۵۸-۷۷ به چاپ رسیده است.

۱۲. حسن انصاری قمی، «کرامیه در مجالس بیهق و چند منبع دیگر»، کتاب ماه دین، شماره ۴۳، ص ۷۸-۸۱.

۱۳. همو، «دو کتاب از یک مؤلف کرامی»، کتاب ماه دین، شماره ۲۵ (۱۳۷۸ش.) ص ۸-۹.

۱۴. همو، «ملاحظات چند درباره میراث بر جا مانده کرامیه»، کتاب ماه دین، شماره ۵۶-۵۷ (۱۳۸۱ش.) ص ۶۹-۸۰.

پوشنگ (ببوشنج) راوی از وی حدیث شنیده، نام برده است. همو، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۳۴۴.

درباره مجدالدین ابوالحسن علی بن عثمان بن محمدبن الهیصم (متوفی ۵۴۴ق.) در مآخذ اطلاعات اندکی موجود است. عمادالدین اصفهانی از وی و برادرش ابوالفتح سعیدبن عثمان بن محمد بن الهیصم نام برده و نمونه‌هایی از اشعار آنها را آورده است. عمادالدین اصفهانی (متوفی ۵۹۷ق.) وی را چنین توصیف کرده است: «کان من اعیان الفقهاء الفضلاء و ما زال اسلافهم زعماء الکرامیه بخراسان». ر.ک: همو، خریدة القصر و جریده العصر فی ذکر فضلاء اهل خراسان و هراة، تحقیق عدنان محمد آل طلمعة (تهران ۱۴۲۰ ق.) ج ۲، ص ۳۲-۳۴. مصحح منابع دیگری که شرح حال این فقیه کرامی را آورده، ذکر کرده است. نکته شگفت‌انگیز درباره این فقیه کرامی، شیعی دانستن وی در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (ج ۵، ص ۱۲۸-۱۲۹) است.

ابن تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق.) در آثار متعدد خود از کرامیه و برخی متون آنها که ظاهراً در اختیار داشته، عبارتهایی را نقل کرده است. به عنوان مثال رساله‌ای درباره ایمان که تنها قولی زبانی است. ر.ک: همو، الفرقان بین الحق و الباطل در همو، مجموعه الرسائل الکبری (قاہره ۱۳۸۵ ق. / ۱۹۶۶ م.) ج ۱، ص ۴۳. ۲۱. در این باره ر.ک: العسل المصفی فی تہذیب زین الفتی، ج ۱، ص ۴۷۸-۴۸۰. علوی که در صفحه ۴۸۰ از وی و برادرش یاد شده است، ابوالفضل احمدبن محمدحسنی (متوفی ۴۴۸ ق.) است (المنتخب من السیاق، ص ۱۱۶). نقیب و بزرگ علویان در داستان نیز ابوجعفر داودبن محمدبن حسین حسنی (متوفی ۴۰۲ ق.) است (المنتخب من السیاق، ص ۳۴۱). در مورد خاندان حسنی نیشابور ر.ک:

Bulliet, op. cit, pp.234-245.

۲۲. فهرست این مقالات چنین است:

1) Josef van Ess, "Ungenutzte Texte zur Karramiya". Ein're Materialsammlung, Heidelberg, 1980.

ترجمه فارسی آن: یوسف فان اس، «متونی درباره کرامیه»، ترجمه احمد شفیعیها، مجله معارف، دوره نهم، شماره اول (۱۳۷۱) ص ۳۴-۱۱۸.

2) L.Massignon, "Essai sur les origines du -xique technique de la mystique musulmane", 2d ed. (paris, 1954), pp.260-68. le

3) C.E. Bosworth, "The Rise of the karamiyyah in khurasan", *Muslim world*, (50), 1960,pp.